

جامعه

چرا می‌خواهند "زلیخا" را "زلیخاها" کنند؟

(بحثی اجتماعی، روان‌شناختی، تاریخی و حقوقی در باره مقوله چند همسری)

محمد مهدی حسنی

۲۱۹

چکیده:

در نوشته حاضر پس از تعریف چند همسری و اشاره ای کوتاه به تاریخچه و توزیع جغرافیایی این پدیده در جهان و ایران، مواضع طرفداران ترویج چند همسری در چند سال اخیر در ایران، بررسی می‌شود. موضوع چندزنی اجمالاً از منظر فقهی تبیین و اختلاف نظریات فقیهان در این باره بیان می‌گردد. همچنین گذشته چند همسری در دو سده اخیر ایران و برخی نظرات سنتی و مدرن صاحب نظران واکاوی می‌شود. تاریخچه قانونگذاری و مقررات موضعه حاکم بر این پدیده در کشور ما، بخشی دیگر از این نوشته است. و سپس به بررسی علل اجتماعی و روانی چند همسری: اشکال چندزنی در کشور ما، دلایل وجود چند همسری در جامعه ایرانی و اثرات روانی و اجتماعی و اقتصادی این پدیده بر خانواده و جامعه می‌پردازیم و در پایان وظیفه و نقش قوای عمومی و دولتی در موضوع تعدد زوجات و برخی ایرادات و خلاءهای قانونی در این باره را بررسی نموده و نیز به نقش مهم دادرسان و محاکم خانواده در این مقوله خواهیم پرداخت.



کلیدواژه ها:

خانواده، تعدد زوجات، چندهمسری، ازدواج مجدد، چندزنی، تجدید فراش، تاریخچه چندهمسری در ایران و جهان، قوانین حاکم بر چندزنی در حقوق عرفی و فقه اسلامی، خلاءهای قانونی، اشکال و علل اجتماعی و روانی چند همسری، اثرات روانی و اجتماعی و اقتصادی چندزنی.

مقدمه

به طور مختصر چندهمسری (polygamy) یا تعدد زوجات، به عنوان شکلی از ازدواج مطرح است که در آن فرد به طور همزمان بیش از یک همسر دارد. از لحاظ تاریخی، چندهمسری به دوشکل چندزنی و چندشوهری است. در چندزنی، مرد بیش از یک زن داشته و در چندشوهری، زن بیش از یک شوهر اختیار میکند، در مقابل در شکل تک همسری، فرد در یک زمان فقط یک همسر دارد^۱. تعدد زوجات، از جمله مسائل اجتماعی و فرهنگی است که در طول تاریخ، تابع زمان، جوامع و سرزمین های گوناگون بوده است^۲ انسان شناسان پیدایش چندزنی را مقارن با شیخویت پدری دانسته و براین باورند که با اهلی کردن حیوانات، مسئله چرای دامها مورد توجه قرار گرفت و در نتیجه فرآیند مالکیت اراضی گسترش یافت. به این ترتیب زنان، مزیت و سروری خود را از کف دادند و انگیزه ازدواج بیشتر به سوی تامین نیازهای جنسی سوق یافت و تعدد زوجات به وجود آمد. پس چند همسری در جوامع جمعی، الگوی مرسوم و به قاعده به شمار می رفت و چون نرخ باروری بالا بود و فرزندان به عنوان تامین کننده نیروی کار و ثروت، حامی منافع اقتصادی و اجتماعی والدین قلمداد می شدند. لذا تمایل به داشتن فرزند زیاد از طریق حمایت از ساختار چندهمسری برای نظام خانواده ضروری به نظر رسید. از

1- Sanderson, 2001, 2; Al-Krenawi & Graham, 2016, 1(۶۵)، ۱۳۹۸، (به نقل افشانی و همکاران، ۱۳۹۸، ۶۵)

۲- شجاعی، ۱۳۸۵ (به نقل از افشانی و همکاران، ۱۳۹۸، ۶۵)



منظر دیگر، پدیده اجتماعی چند زنی، محدود به مذاهب خاصی تعریف می‌شود.^۱ پس آن از جمله رسم‌های کهن است که در میان اقوام ابتدایی و نیز ملل متمدن متداول و رایج بوده و بایستی سرچشمه از اجتماعات اولیه بشری گرفته باشد.^۲ چنانکه قبل از ظهور اسلام نیز مسئله چندهمسری، در تمامی ادیان الهی موجود در آن روزگار به جز مسیحیت^۳ و نیز در میان اقوام شرقی، اعم از یهود، ایرانی، عرب و غیره شایع بوده است.^۴ و پژوهش‌های مورداک^۵ حاکی است که در بیش از ۷۵ درصد از جوامع فعلی نیز چندهمسری یافت می‌شود، و به ویژه در کشورهای عربستان سعودی، مصر و نیز در ایالات متحده آمریکا، میان فرقه مورمون‌ها (شاخه‌ای از مسیحیت پروتستان) بسیار رایج است.^۶ همچنین در بسیاری از فرهنگ‌های سنتی آفریقایی و کشورهایی که امروزه آفریقای جنوبی و اغلب جنوب و مرکز آفریقا است، جاری است. و نیز در بخشی از خاورمیانه کنونی و کشورهای مسلمان (ایران کمتر) به ویژه دیگر کشورهای عرب نیز دیده می‌شود.^۷ هرچند در کشور ما آمار دقیقی از میزان چندهمسری وجود ندارد ولی در تمام سرشماری‌های صورت گرفته، همواره چند زنی وجود داشته است. اولین سرشماری پس از انقلاب در سال ۱۳۶۵ بیانگر این است که در تاریخ سرشماری‌های ایران میزان چندزنی به حداکثر خود رسیده و ۱۰۲۲ زن شوهردار در مقابل هزار مرد زن دار، قرار دارد. لیکن ۱۰ سال بعد یعنی در سال ۱۳۷۵ این میزان به یک سوم تقلیل یافته است که می‌تواند حاکی از نپذیرفتن این مقوله میان جامعه ما باشد هرچند فقر فشار اقتصادی در برخی خانواده‌ها می‌تواند آنان را به قبول شوهر دادن دختران خود به مردان زن دار و یا زنان بی نام آور را به

۱- عرب و همکاران، ۱۳۸۳، ۸۲

۲- دورانت، ۱۳۷۰، ۵۰

۳- افشانی و همکاران، ۱۳۹۸، ۶۵

۴- لوبون، ۱۳۳۴، ۵۰۹؛ (نقل از رمضان نرگسی، ۱۳۸۴، ۱۴۷)

5- Murdock

6- Browne, 1992: 213-214 (۱۵۲، ۱۳۸۴، رمضان نرگسی، (به نقل از:

۷- افشانی و همکاران، ۱۳۹۸، ۶۵



رضا دادن با ازدواج با چنین مردان و ادار نماید. در یک بررسی در سال ۱۳۷۰، از سوی پژوهشگران دو سازمان ثبت احوال و وزارت بهداشت، تعداد مردان چندزنه در ایران ۲/۸ درصد اعلام شده است که در بین آنان ۲/۷ درصد، دوزنه؛ و ۰/۱ درصد، سه زنه بوده اند.^۱ در این میان، سهم جمعیت مسلمانان اهل تسنن در مقایسه با شیعه در مناطقی از ایران مانند سنج، خراسان شمالی، آذربایجان غربی، لامرد، کهنوج، بوشهر، خوزستان و زاهدان در داشتن چند همسر بسیار بیشتر است.^۲

مروّجان چندهمسری در کشور

به رغم اینکه در کشور ما، به ویژه به دلیل وجود مشکلات فرهنگی و معیشتی، فرهنگ غالب جامعه، موافق چند همسری نیست، بلکه به اعتراف بسیاری از جامعه‌شناسان و اندیشمندان، افکار عمومی جامعه ایران با این موضوع تضارب دارد به طوری که اگر مردی بدون عذر موجه، همسر دوم اختیار کند، نخستین کسانی که او را مورد سرزنش قرار می‌دهند، خویشاوندان و نزدیکانی همانند پدر، مادر یا برادران داماد؟! خواهند بود و به احتمال بسیار زیاد انگشت‌نما و نقل محافل می‌شود^۳ با این همه در دو سه سال اخیر کسانی هستند که به عنوان متولیان فرهنگی و اجتماعی این مرز و بوم به تبلیغ این مقوله می‌پردازند. چنانکه در سریال‌های تلویزیونی موضوع تجدید فراش مردان همانند یک رویه عادی و معمول نشان داده می‌شود. در اکثر این سریال‌ها، مردی هوسران به واسطه عدم خویشتن‌داری بدون توجه به آثار این کار و بدون اضطراب اقدام به چنین عملی می‌نماید و جالب تر اینکه با مجازات‌های اجتماعی هم مواجه نیستند.^۴ حتما در حافظه خوانندگان، خاطره پخش برنامه «بدون توقف» از شبکه ۳ تلویزیون جمهوری اسلامی در سال ۹۸ و نیز حضور مردی ۴ زنه به نام نوید ... به همراه هر چهار همسرش در یک برنامه تلویزیونی را

۱- امانی، ۱۳۸۰، ۴۲ و ۴۳

۲- مجاهد و بیرشک، ۱۳۸۳، ۶۰ (به نقل از: فرهمند؛ رضوانی، ۱۳۹۸، ۱۳۷)

۳- رمضان نرگسی، ۱۳۸۴، ۱۵۷ و ۱۵۸

۴- همان، ۱۵۹



در سال گذشته به یاد دارند که دست اندر کاران این برنامه‌ها با توجه به گل و بلبل بودن وضع کشور و کمبود موضوعات مهمه، بخشی از اجرای خود را به مقوله اهمیت و لزوم "چند همسری" و تبلیغ این مقوله اختصاص داده بودند. و یا چندی قبل، مؤسسه ای وطنی در قم، با انتشار پوستری تبلیغاتی که چهار زن چادری شاد و خوشحال در کنار یک مرد و به همراه سه کودک، را نشان می‌داد، به برگزاری کارگاه‌های مهارت‌های چند همسری همت نمودند. موضوع کارگاه‌های این پروژه مواردی چون «ضرورت احیای فرهنگ چند همسری»، «الزامات تشکیل خانواده‌های چند همسری»، «احکام فقهی خانواده‌ها چند همسری» و «مهارت‌های ارتباطی خانواده‌های چند همسری» بود. آقای دکتر ... از مدرسان این مؤسسه در یکی از سخنرانی‌های خود (که ویدیوی آن در وب سایت مؤسسه منتشر شد)، فلسفه اصلی ترویج چند همسری و اهمیت آن را به روشنی بیان نمود و با تأکید به اینکه «اسلام به همه نیازها تا قیامت پاسخ می‌دهد» گفت: «تعدد زوجات شاهکار اسلام در حفظ و حراست از حقوق زن است.» در آگهی همان مؤسسه آمد: «با توجه به ابعاد بحران تجرد دختران و زنان سرپرست خانواده» این دوره‌ها بدون هزینه برگزار می‌شود. و از جمله اهدافش: «ازدواج‌های بین فرهنگی در جهان اسلام» و «ازدواج‌های چند همسری اسلامی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی»؟! است یا: وب سایت «مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم» با عنوان «چند همسری برای مردان چرا؟» نوشت: «روانشناسان؟! معتقدند، زنان به‌طور طبیعی «تک‌شوهرگرا» بوده و فطرتاً از تنوع همسر گریزانند، و خواستار پناه بردن زیر چتر حمایت عاطفی و عملی یک مرد می‌باشند و تنوع‌گرایی در زنان نوعی بیماری محسوب می‌شود، ولی مردان تنوع‌گرا و چند زن‌گرا هستند.» و فردی از سردمداران همان مؤسسه در کسوت روحانیت گفت: «ما سوپر میلیاردرهایی را داریم که بندگان خدا، دوست دارند که زندگی دوم تشکیل بدهند، سفره‌ی دیگری را پهن بکنند اما، جریان فرهنگی غرب زده، فمینیست‌های غرب‌گرا و البته فمینیست‌های مذهبی و حتی مسجدی به همراه قانون ظالمانه‌ای که ایجاد شده، مانع از این واقعیت مهم (چند همسری)



در جامعه ما شده اند.^۱ همچنین به گزارش ایرنا، در مقطعی که میان موافقان و مخالفان چندهمسری مناظره ای در مجتمع آفتاب فرمانیه تهران برگزار شد. یکی از موافقان بیان داشت: "اگر هشت درصد مردان (که وی آنها را جوانمرد خطاب می کند)، تعدد زوجات داشته باشند، مشکل مجرد بودن دختران مجرد ۳۵ سال به بالا و نیز خانم‌های سرپرست خانوار و مطلقه حل می شود." جالب است یکی از خانم‌های حاضر در نشست، خطاب به وی می گوید: چرا شما به خودتان اجازه می دهید ازدواج را در حد همبستر شدن و اعمال حیوانی بدانید؟ سپس با انکار ظاهری این موضوع از سوی سخنران، همان خانم می گوید: "ما جسم نیستیم." و سخنران مخالف چندهمسری (رضا ...)، چنین واکنشی نشان می دهد: "اگر این هشت درصد، الگوی ۹۲ درصد جامعه شود من روانشناس چه خاکی بر سر بریزم؟ من به عنوان یک روانشناس ضمن اینکه باید از حقوق آقایان دفاع کنم بر اساس قسم‌نامه‌ای که خورده‌ام باید از نگاه نصف جامعه یعنی خانم‌ها هم به مساله نگاه کنم. من اشک بانویی که به واسطه آمدن هوو، زندگی به کامش تلخ می شود را نمی توانم با هیچ چیزی توجیه کنم." و سخنران دیگر (حجت الاسلام حسین ...) خطاب به موافقان چندهمسری گوید: "شما ادله تان بیشتر نیازهای جنسی است." و سپس همان روان شناس در سخن پایانی در این مورد تذکر می دهد که "چرا نیازهای خانم‌ها را به سمت نیازهای فیزیکی مثل خوردن و پوشیدن می بریم. اسلام نیازهای اولیه را قبول دارد اما نیازهای ثانویه (نیاز روحی، عدالت عاطفی و عدالت تمایلات قلبی) از نظر اسلام مهم تر است. من به صراحت عرض می کنم می ترسم و نگرانم که فرهنگ تعدد زوجات ما را به فرهنگ حرمسراها ی آپارتمانی ببرد."^۲ در همان سال ۹۸ با انعکاس برخی از نظرات مقام رهبری در رسانه‌ها مبنی بر عدم موافقت با ترویج چندزنی، در سطح جامعه و شبکه‌های اجتماعی، بحث‌ها بالا گرفت تا اینکه سرانجام در بیست و یکم آبان ماه همان سال، توضیحی رسمی از طرف بیت رهبری و نقل آن تحت عنوان «توضیحات دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله

۱- خطیب‌زاده لایلا (۱۳۹۸ الف)، شفیعی سعید (۲۰۱۹).

۲- خطیب‌زاده لایلا (۱۳۹۸ ب)،



خامنه‌ای درباره نظر ایشان پیرامون مسئله چندهمسری «منتشر شد. در بخشی از این توضیحات آمد: «از آنجا که در جامعه و کشور ما ازدواج مجدد مردان غالباً به ضرر استحکام خانواده و موجب تضعیف محبت زوجین و گاه فروپاشی خانواده است، نگاه معظم له به آن خوشبینانه و مثبت نیست و ازین روست که این جمله در بیان ایشان تکرار شده است که "خدا یکی و محبت یکی و یار یکی"»^۱.

اما پنداری هنوز نیز برخی اندیشه‌ها، در محاق ماندن این مباح را نمی‌پذیرند و در گوشه و کنار و بیشتر در شبکه‌های اجتماعی، به تبلیغ این مقوله می‌پردازند. پخش فیلم‌های مستندگونه، از زنان همسر دومی و پخش گفته‌های سخنرانان غراً در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام نمونه‌هایی از این دست است.

البته این نحله از فکر فرهنگی، آبخورهای نظری و دانشگاهی و حوزوی نیز دارد چنانکه دو عضو هیئت علمی دانشگاه و دفتر مطالعات تحقیقات، آنگاه که لایحه حمایت از خانواده از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شد و کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس پس از بررسی ماده ۲۳ آن جواز تعدد زوجات را منحصر به موارد مصرحه نمود، برآشفته و طی نوشتاری بلیغ با دفاع کلامی از مقوله تعدد زوجات، این امر را بر خلاف مبانی فقهی دانستند و بر آن شدند تا اثبات کنند که «محدود کردن تعدد زوجات به فرض‌های نادر، ضرورت اجتماعی چندهمسری نسبت به زنان و دخترانی را که نمی‌توانند همسر اوّل شوند، برطرف نکرده و علاوه بر ستم به این زنان و دختران در فرض عدم ازدواج، موجب گسترش فساد، ارتباطات مخفیانه، و در بعضی موارد شیوع طلاق خواهد شد.»^۲ یا فرمودند: «تشریح تعدد زوجات از برنامه‌هایی است که هرچند برای بسیاری از زنان اوّل ناخوشایند است اما در مجموع به نفع جامعه تمام می‌شود.» آن دو به نمایندگی از

۱- به نقل از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، شاعر این مصرع، مرتضی‌قلی‌خان شاملو (در گذشته‌ی ۱۱۰۰ ه.ق) از شکسته‌نویسان مشهور سده یازدهم و حاکم هرات و از امرای دربار شاه سلیمان صفوی است:

میان باغ به پروانه بلبل می‌گفت
نصیحتی بشنو تا که رستگار شوی
خدا یکی و محبت یکی و یار یکی
دو دل مباش که بی‌ارج و اعتبار شوی.

۲- موحد نعیمه (۱۳۹۸)



گروهی زنان ایرانی داد سخن دادند که: «اگر به دغدغه‌ها و پیش‌فرض‌های دختران و زنانی که به همسر دوم شدن رضایت می‌دهند، توجه شود، تأمل بیشتری در قانون محدودیت تعدد زوجات خواهد شد.» و برای اثبات ضرورت ازدواج مجدد در جامعه به نقل برخی از بزرگان دلایلی مانند: "فزونی شمار دختران"، "آمادگی زودتر آنان برای ازدواج به نسبت مردان"، "وجود زنان مطلقه و بیوه و لزوم برآورد حوایج مالی، عاطفی و جنسی‌شان"، "تفاوت‌های تکوینی زن و مرد در حوزه‌ی تمایلات جنسی"، "طولانی‌تر بودن عمر تولیدمثل در مردان در مقایسه با زنان"، "نازایی برخی از زنان" و... استناد نمودند^۱ و موضوعات دیگری مانند: "بیشتر بودن زمینه فوت مردان"، "بیشتر بودن عمر طبیعی زنان در برابر مردان" و "محدودیت موقعیت دختران برای ازدواج" را مطرح کردند.^۲ چنانکه دانش‌آموخته‌ای از حوزه علمیه "دیدگاه برتر" و "مهم‌ترین عامل تشریح حکم چندهمسری" را، تفاوت‌غریزه جنسی میان زن و مرد و تحریک‌پذیری و قدرت بیشتر آن در مردان می‌باشد که موجب شده نظام حقوقی مبتنی بر تک‌همسری که در بیشتر جوامع امروز رایج است، نتواند روابط جنسی میان زنان و مردان را در دایره انضباط قانونی بگنجانند و مانع رواج روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج گردد.^۳ وی نیز به تأسی از بزرگان و مشابه نوشته قبلی سراغ مسائل و اموری آماری و علمی می‌رود و دلایل مزبور را چنین درجه بندی می‌کند: "مهم‌ترین حکمتی که بسیاری از معاصران در توجیه عقلانی چندهمسری در اسلام بیان کرده‌اند، فزونی جمعیت زنان بر مردان در جوامع مختلف است. علت دومی که برای این حکم ذکر شده، یائسگی زنان است قدرت تولید مثل در زنان، حدود سن پنجاه سالگی از بین می‌رود، ولی مردان تا سال‌ها پس از آن توان تولید مثل دارند و منع از چندهمسری موجب می‌شود که توان تولید مثل مردان در

۱- طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ۴۹۱-۸۱۲؛ مطهری، ج ۹۱، ۵۲۳-۱۲۳ (به نقل از کرمی)

۲- کرمی، سجادی امین، ۱۳۸۹، ۸۵-۱۳۲

۳- امامی، ۱۳۹۲، ۵۹



سال‌های متمادی بدون فایده بماند.^۱ فزونی قدرت غریزی مرد، علت سومی است که بیان کرده‌اند: مرد از نظر غریزه جنسی قوی‌تر از زن است؛ به گونه‌ای که گاه، یک زن او را کفایت نمی‌کند و نیاز او را برآورده نمی‌سازد، به ویژه که در حالت بارداری و عادت ماهانه یا مسافرت و بیماری، محدودیت‌هایی برای روابط جنسی زناشویی پدید می‌آید. از این رو، تعدد زوجات برای رعایت نیازهای مردان لازم است.^۲ همچنین در رسانه‌های عمومی طرفداران مقوله چندهمسری، خود را به زمین و زمان زده و می‌زنند، که برای تبیین ضرورت وجودی آن دلایل وجیه‌ای مانند: پاسداشت تقوا و دورنگه‌داشتن دامن مردان از آلودگی، اعطای فرصت ازدواج به دختران ترشیده و زنان بیوه یا مطلقه، و ارائه‌کنند. لیکن وارون آنان، بسیاری، به سختی چنین استدلالاتی را می‌پذیرند. آنان تنافی چندهمسری با حقوق زن، جنگ هووها و دودستگی‌ها و شقاق خانوادگی و مشکلات روانی و اجتماعی و حتی اخلاقی ناشی از این پدیده اجتماعی را گوشزد می‌کنند و بالاخره در میان این دو دسته (طرفداران: «تجویز» و «تحریم»)، برخی راه بینابین («تحدید») را گزیده و با بیان مزایا و معایب چندهمسری، می‌کوشند معایب آن را مدیریت کرده، برایش راه‌حل‌هایی مانند: تحدید به رضایت همسر فعلی، لازم‌شمردن اذن دادگاه یا حاکم شرعی و .. ارائه‌کنند.^۳

طرفداران چندهمسری، برای توجیه خود، بهانه "رشد پدیده طلاق و مجرد ماندن دختران در جامعه" را مطرح می‌کنند در حالیکه افزایش سن ازدواج در کشور ما مختص دختران و زنان نیست بلکه در میان پسران نیز دیده می‌شود. فزونی جمعیت زنان بر مردان را حجت می‌آورند در حالیکه نسبت جمعیت زنان به مردان در کشور ما، ۱۰۰ به ۱۰۵ نفر است و لذا جمعیت دختران نمی‌تواند توجیهی منطقی برای ترویج پدیده چند همسری باشد. تعیین تکلیف وضع زنان مطلقه، را علت دیگر ترویج نظر خود بیان می‌کنند در

۱- قطب، ۱۴۱۲، ج ۱، ۵۸۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ۱۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۲۵۷؛ مطهری، بی‌تا، ج ۱۹، ۳۲۲

(به نقل از: امامی، ۱۳۹۲، ۷۱ و ۷۲)

۲- صدر، ۱۴۲۰، ج ۶، ۱۵۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ۱۸۸ (به نقل از همان).

۳- هدایت‌نیا، ۱۳۹۶، ۶۷-۹۸ و نیز ر. ش. به امامی، ۱۳۹۲، ۵۹-۸۰



حالی که خیانت اولین و بیشترین عامل شناخته شده در بین طلاق‌های امروزی است و شایع شدن چند همسری منجر به تزلزل کانون خانواده‌های زیادی در کشور شده و خود از عوامل افزایش آمار طلاق به شمار می‌رود.^۱ نمی‌دانم چرا شیوه استدلال برخی از این دوستان بی اختیار راقم را یاد مطلبی خواندنی از شماره‌های قدیمی مجله وزین سخن می‌اندازد. آنجا که در باره توجیه لزوم وجود "تعدد زوجات" در پاکستان، از زبان مستدل و وزین وزیر فرهنگ پنجاب می‌خوانیم: "ما در سرزمینی زندگی می‌کنیم که در بعضی نقاط آن آب در پانزده بیست کیلومتری خانه‌ها قرار دارد. در عرض روز، هر زن بیش از یکبار نمی‌تواند به کنار چاه‌های آب برود و برگردد. و چون شوهر او برای رفع احتیاجات روزانه خود به بیش از یک مشک آب احتیاج دارد، مجبور است که زنان متعدد داشته باشد."^۲

چند همسری در فقه و حقوق شرعی (اختلاف شدید فقیهان)

از نظر اسلام در شرایط طبیعی، نظام تک همسری مطلوب است و قانون تعدد زوجات برای موارد خاص و گروه اندکی تشریح شده است و خلاف اصل اولی در نظام خانواده است.^۳ در دانشنامه جهان اسلام می‌خوانیم: "تک همسری طبیعی‌ترین شکل زندگی زناشویی است. ... تأمل در متون اسلامی و سیره پیشوایان نشان می‌دهد که اسلام در ازدواج اصل را بر تک همسری استوار کرده؛ زیرا قرآن کریم از تک همسری آدم^۴ و موسی^۵ و نوح و لوط علیهم السلام^۶ و فرعون^۷ و ابولهب^۸ یاد کرده است. پیامبر گرامی اسلام نیز تا

۱- طالبی، احمد (۱۴۰۰)

۲- مجله سخن دوره ششم، ش ۵، تیرماه ۱۳۳۴، ص ۴۵۹

۳- صدر، ۱۴۲۰، ج ۶، ۱۵۹ (به نقل از: امامی، ۱۳۹۲، ۷۹)

۴- اعراف: ۱۸۹؛ بقره: ۳۵

۵- قصص: ۲۹

۶- تحریم: ۱۰

۷- تحریم: ۱۱

۸- تبّت: ۴



وفات خدیجه سلام الله علیها، یعنی تا حدود پنجاه سالگی، همسری دیگر انتخاب نکرد. ازدواج‌های متعدد آن حضرت نیز پس از هجرت به مدینه به دلایل و انگیزه‌های مختلفی صورت گرفته، از جمله کفالت و سرپرستی برخی از زنان یا فرزندان آنان، اسباب سیاسی، احیای جایگاه زن در جامعه آن روز و آموزش نحوه سلوک و معاشرت با همسر به طور عملی. بیشتر همسران آن حضرت که‌نسال یا بیوه بودند و در این ازدواج‌ها لذت جویی و شهوترانی نقش نداشته است. حکم جواز ازدواج با بیش از چهار همسر نیز از احکام ویژه آن حضرت (خصائص النبی) به شمار می‌رود.^۱ همچنین امیرمؤمنان علیه السلام در زمان حیات فاطمه سلام الله علیها همسری دیگر بر نگزید.^۲ اما نکته ای که مورد غفلت بسیاری قرار گرفته، این است که، جواز تعدد زوجات در اسلام، بر مبنای حکمی، تأسیسی نیست، بلکه در زمره احکام امضایی است. زیرا اسلام تنها این رسم رایج را که حدی برای آن نبود، به چهار همسر و رعایت عدالت محدود نمود.^۳ به هر حال "رویکرد غالب فقهای عظام به چندهمسری، «تجویز» به شرط توانایی مرد در عدالت‌ورزی و رعایت شرایطی که در قرآن کریم بیان شده است. البته آرای فقها درباره مشروعیت چندهمسری، یکسان نیست. گروهی آن را مستحب، گروه دیگری آن را مکروه و برخی نیز آن را مباح می‌دانند. در مقابل، گروهی از نواندیشان دینی چندهمسری را «تحریم» کرده، دلایل متعددی برای آن ذکر کرده‌اند. در این میان بعضی راه میانه‌ای در پیش گرفته‌اند و کوشیده‌اند ضمن دفاع از مشروعیت چندهمسری، برای پیشگیری از برخی پیامدهای آن راه حل ارائه دهند.^۴

۱- ر. ش. به: محمد رشیدرضا، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر، ج ۴، ص ۳۷۰؛ محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۴، ص

۱۹۵-۱۹۸؛ محمدحسین طباطبائی، تعدد زوجات و مقام زن در اسلام، قم: آزادی، بی تا، ص ۶۴-۶۹؛ صلاح عبدالغنی محمد، وسائل الاسلام فی المحافظة علی الحیاة الزوجیة، مصر ۱۴۱۸/۱۹۹۸؛ ج ۳، ص ۱۳۱-۱۵۹

۲- دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ص ۳۶۱۹

۳- قطب، ۱۴۱۲، ج ۱، ۵۷۹؛ مطهری، بی تا، ج ۱۹، ۳۰۷ و ۳۵۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۲۵۷ (به نقل از امامی،

۱۳۹۲، ۷۰)

۴- ر. ش. به هدایت‌نیا، ۱۳۹۶، ۶۷-۹۸



برخی عمل به آن را در شرایط نامناسب، غیر اخلاقی دانسته‌اند^۱ دانشمندی معاصر با اعتراف به مشروعیت این حکم از نظر فقهی در عصر حاضر، عمل به آن را در زمان حاضر از نظر اخلاقی، مخالف تقوا و موجب ظلم، کینه، دشمنی و اختلاف در خانواده می‌داند. به نظر وی آیه اشاره شده، دلالت بر جواز تعدد زوجات در فرض وجود شرایط و مقتضیات می‌کند^۲ فقهی دیگری، تعدد زوجات را موجب بغض و دشمنی همسران با یکدیگر و خروج مرد از حدود عدالت نسبت به همسران دانسته، لذا ازدواج مجدد را مکروه می‌داند.^۳ برخی نیز به اجمال، دشواری رعایت عدالت میان همسران در عصر حاضر را نسبت به دوره‌های گذشته پذیرفته‌اند و بدین وسیله کوشیده‌اند ابعاد اخلاقی این حکم را با توجه به تغییر شرایط از نظر دور ندارند^۴ و بالاخره دانش‌آموخته‌ای از حوزه علمیه، در باره این استدلال که منع از چندهمسری مساوی با محروم کردن خیل عظیمی از زنان جامعه از ارضای نیازهای طبیعی جسمی و روانی است... برای باور است که استدلال مزبور، یک حلقه مفقوده دارد و آن در نظر نگرفتن آرامش روانی و روحی همسران اول است که به لحاظ اخلاقی غیرمجاز تلقی می‌شود. ضمن اینکه چندهمسری امروزه تفاوتی بنیادین با چندهمسری در اعصار گذشته پیدا کرده است که همین مسئله باید باعث تفاوت حکم فقهی و اخلاقی آن نسبت به زمان گذشته باشد. زیرا در گذشته، وقوع جنگ‌های بسیار و کشته شدن مردان باعث افزایش فزاینده جمعیت زنان نسبت به مردان بود و همچنین وظیفه همسری و خانه‌داری زنان (مسئولیت نگهداری و مراقبت از کودکان و وظایف درون منزل از آشپزی و نظافت و غیره) به دلالت وجود مسئولیت‌های متعدد سنگین، کاری طاقت‌فرسا می‌نمود ضمن اینکه در آن دوران، کثرت فرزندآوری به خصوص پسران - که به مثابه بازوان اقتصادی برای خانواده محسوب می‌شدند - امری مطلوب و همچنین مرگ و

۱- خویی، ۱۴۲۷، ۱۰۷ (نقل از امامی، ۱۳۹۲، ۷۸)

۲- مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ۲۶۵ (نقل از امامی، ۱۳۹۲، ۷۸)

۳- اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۹، ۹۱ (نقل از کرمی، سجادی امین، ۱۳۸۹، ۹۷)

۴- مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۲۵۹ (نقل از امامی، ۱۳۹۲، ۷۸)



میر نوزدان، به دلیل نبود یا کمبود بهداشت و وجود بیماری‌های مختلف و عدم مهار آنها، بسیار بود، به گونه‌ای که یک زن برای داشتن تعداد فرزندان مطلوب، به ناچار و علی‌الرسم، دو برابر آن فرزند به دنیا می‌آورد تا در طول زمان حداقل نیمی از آنان باقی بمانند، و مجموع این عوامل باعث می‌شد که به گفته «ویل دورانت» زنان از ازدواج مجدد شوهران خود استقبال کنند و حتی گاه خود اقدام به پیدا کردن همسر دیگری برای شوهر خود کنند، چرا که آمدن همسر دوم و سوم مساوی بود با سبک‌تر شدن وظایف همسر اول، و کم شدن رنج و سختی زندگی و این مزیت‌ها باعث ایجاد یک توازن نسبی میان سختی‌ها و راحتی‌های هوو داشتن برای زنان بود. اما امروزه همه علل پیش گفته به دلیل تغییر در سبک زندگی، مفقود است و انگاری زن، پدیده‌ای نوپدید در تاریخ بشری است که هیچ مانندی در میان زنان تاریخ بشری ندارد و اندیشه و احساسات او از زنان دیروزی متمایز است. مضافاً به اینکه تکنولوژی‌های نوین همچون هووهای قرون گذشته دستیار زنان شده‌اند.^۱ و نیز به قول مدیر دپارتمان خانواده و ازدواج کلینیک اعصاب و روان بهمن شهر یزد، ازدواج در هر جامعه و فرهنگی که باشد، قوام و دوام آن متکی بر یک سری قوانین عرفی، شرعی و مدنی است. این در حالی است که قوانین عرفی که مرتبط و عجین شده در قوانین مدنی و شرعی است ریشه در عرف داشته که بر اساس فرهنگ جامعه، کم کم و طی سال‌ها شکل گرفته و در برابر تغییر به شدت مقاومت می‌کند چرا که با گوشت و پوست و استخوان مردم آن جامعه عجین شده است و تنها در طول زمان و به موازات تحول و گسترش نهادهای جامعه انعطاف‌پذیر و قابل تغییر است. به این ترتیب، اگرچه پدیده چندهمسری که در قرون گذشته در اسلام به رسمیت شناخته شده و متبع از فقه، قوانین مدنی آن را با شرایطی جایز می‌شمارند، اما در حال حاضر به دلالت عرف، امری معمول و متعارف شناخته نمی‌شود و لذا از دیدگاه روان‌شناسی و مشاوره خانواده، مصداقی از پیمان‌شکنی است چرا که مطابق با تعریف متداول پیمان‌شکنی، هر نوع رفتار پنهان یا آشکار، ناقض پیمان نوشته (برگرفته از قوانین شرعی و مدنی) یا نانوشته (قوانین عرفی



جامعه و فرهنگ)، مصداقی از پیمان شکنی در ازدواج محسوب می‌شود. که موجب آسیب به بنیان ازدواج و خانواده، است که بعضاً ریشه در ابتلا به اختلال شخصیت مرزی و ضداجتماعی، زن بارگی، عدم برآورده شدن نیازهای روان شناختی در ازدواج همچون صمیمیت، دلگرمی و شادکامی و نیز نوعی حق فردی برای خود قائل شدن (خودخواهی) و تنوع خواهی در ارتباطات است.^۱

اجازه می‌خواهد تا این بخش از گفته خود را با نقلی از کتاب نفیس و گرانقدر "تاج القصص" که بیانگر نظر و اندیشمند و مفسر سخندانی در سده ۳۷۵ هجری قمری (قریب هزار سال پیش) آنهم به لهجه کهن خراسانی است، بیان کنم تا اختلاف رای و اندیشه وی^۲ با اخلافش آشکار شود. وی در داستان حضرت یوسف علیه السلام و تفسیر آیه ۳۰ از سوره یوسف قرآن کریم: "و قال نسوة فی المدینة امرأة العزیز تراود فیها عن نفسه ... " ابتدا با بیان این مطلب که: " این آیت هژده کلمه است. اندرین هژده کلمه، هژده فایده؛ " در چند پارگراف بعد، در فایده ششم گوید: " امرأة العزیز نام یک زن بود. زنان را امرأة نگویند، نسوة بگویند. این دلیل است که عزیز مصر را زن یکی بیش نبود و اگر دو بودی یا بیشتر، تا نام نگفتی معلوم نشدی که کدام زن است. چون نام گفت، عزیز مصر گفت، معلوم شد که یکی است. دانستیم که عزیز را زن یکی بیش نبود. پس عزیز مصر را یک زن بس بود با همه جلالت. این دلیل است که خردمندان را زن یکی بس بود. قالوا: هر که خواهد تا کدخدای باشد گو زن یکی کن، و اگر خواهد تا رسوا بود زن دو کن، و هر که می‌خواهد که بی نوا شود، گو سه زن کن و هر که می‌خواهد که مبتلا شود گو چهار زن کن که مرد چهار زنه همیشه مبتلا باشد. سه زنه بی نوا باشد. دو زنه همیشه رسوا باشد. یک زنه همیشه کدخدا باشد. اگر گویی چهار زن در شریعت روا باشد، گوئیم هر

۱- خان آبادی، ۱۴۰۰

۲- هر چند بقول مصحح کتاب، از احوال و گزارش زندگی ابونصر احمد بن محمد بخاری مطلب زیادی بدست نمی‌آید و تنها می‌دانیم که این ادیب و مفسر بر مذهب تسنن و عارف مسلک بوده است اما وی به خاندان نبوت علاقه خاص نشان می‌دهد و در بسیاری از موارد با سخن مناسب از بزرگان شیعه و ائمه همچون امام حسین (ع) یاد می‌کند.



چه روا باشد در شریعت، روا بود که آن را بکنی. نماز شب تا روز رواست، چرا نمی‌کنی؟ روزه اندر سال رواست مگر ایام منهی. چرا نمی‌داری؟ همه مال به درویش دادن در شریعت رواست چرا نمی‌دهی؟ اگر اینها می‌بکنی آنها را نیز بکن و اگر اینها می‌نکنی آن را نیز مکن. با شریعت حجّت مگو، با خدای دوباری و حيله مکن.^۱

پس باید به پیروی از این مفسر و فقیه کهن از دوستان طرفدار چندزنی بپرسیم وقتی عزیز مصر - که درود خداوند بر او باد - تنها یک زلیخا، یا به تعبیر قرآن کریم: "امرات العزیز" داشته، چرا آنان می‌خواهند "زلیخا" را "زلیخاها" کنند؟

گذشته‌ی چندهمسری در دوسده‌ی اخیر ایران (تقابل سنت و مدرنیسم)

در باره وضع اجتماعی و حقوق انسانی و اساسی زنان کشورمان تا پیش از مشروطیت، نویسنده ای گوید: "اگر چه به موجب آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء ۴: ۳۴)، دین اسلام حکومت مرد را بر زن پذیرفته است ولی قوام مرد بر زن را با احکام دقیق و صریح محدود ساخته است. اگر چه قرآن به موجب آیات بینات در میان زن و مرد مسلمان فرقی قائل نشده و جز در مواردی که خاص هر یک از آنهاست تکالیف شرعی جداگانه‌ای برای ذکور و اناث معین نکرده و پیوسته زن و شوهر را به دوستی و مهربانی فرمان داده است ... با این همه چه در ایران و چه در کشورهای دیگر شرق، زن عموماً جزء اموال و مستملکات مرد بوده است. مرد شرقی در ابتدا زن خود را برای اینکه طرف توجه دیگران واقع نشود از انظار پنهان می‌داشت ولی رفته رفته که بساط عیش و عشرت اشرافی گسترده شد گروهی از زنان را در اندرون‌ها و حرمسراها گرد آورد و دیده بانان بر آنها گماشت تا آنجا که اندرون‌ها با خواجه سرایان و گیس سفید پر شد"^۲ بیگمان یکی از منابع شناخت وضع اجتماعی زنان، بازتاب وضع این نیمه جمعیت در ادبیات است چنانکه در ادبیات فارسی "اساساً زن مسلمان ایرانی در ادبیات فارسی مقام شایسته ای نداشته است. (در

۱- ارفنجی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۶۳۸ (فصل "المجلس التاسع عشر").

۲- آریان پور، ۱۳۷۱، ۴



ادبیات قبل مشروطه و) در شعر کلاسیک ایران، زن را با صفات یار و دلدار و دلبر شناخته و غالباً از او به بی‌وفایی و مکر و خیانت یاد کرده است و در دوائن شعرا و کتب نویسندگان خیلی به ندرت می‌توان به وصف زنان خوب و فرمانبر و پارسا برخورد. "۱

جمالزاده در باره برخی آرای افراطی ادب فارسی در باره زنان، به زبان طنز چنین گوید: " شعرای ما با آنکه سر تا پای دیوان‌های آنها همه در مدح و ثنای روی دلبر و موی مهوش و قد موزون شاهد است و مدام قسم و آیه می‌خورند که حاضرند دل و دین را فدای یک تار موی معشوق و معشوقه نمایند معهذاء گاهی نیز حرفهای خیلی سخت در باره زنان می‌زنند و حتی یک تن از بزرگترین شعرای ما - سعدی - کار را به جایی رسانیده که به زنهای خوب هم ابقاء نکرده و فرموده است: چه خوش گفت شاه جهان کيقباد / که نفرین بد بر زن نیک باد. آیا زنها حق ندارند روز قیامت گریبان کيقباد را سر پل صراط بگیرند و از او بازخواست نمایند که چرا اینقدر در حق آنها بی‌لطفی کرده است؟ "۲

به نقل از اروجی، تلاش برای بهبود وضعیت زنان و احقاق حقوق آنها در جهان غرب به ویژه پس از انقلاب صنعتی آغاز شد. پیروزی انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ م باعث شد که مفاهیمی مانند حقوق فردی و خردورزی و شهروندی و حاکمیت مردم مطرح و بدانها توجه شود در همین زمینه و به دنبال وقوع انقلاب کبیر فرانسه، اولین اعلامیه حقوق زنان در فرانسه را در سال ۱۷۹۱ م توجه به مسئله زنان و حقوق آنها به ویژه از حمایت محافل روشنفکری در جوامع غرب برخوردار بود. جنبش بیداری زنان به سرعت در قاره‌های اروپا و امریکا منجر به پیدایش سازمانی با نام "نهضت اخلاقی" شد که هدف آن رهایی زن از قید سنت‌های کهنه مسیحیت و رفع هرگونه فشار ناروا بر ایشان بود. این نهضت سریعاً با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی موفق به انتشار اعلامیه‌هایی شد که در آن بر احقاق حقوق زنان، آزادی اشتغال و امکان رشد شخصیت و آزادی، ظهور قوای عقلانی و بهبود وضعیت زنان کارگر تأکید می‌شد. در این زمینه، مخصوصاً برخی از رجال برجسته مانند

۱- همان

۲- جمالزاده، ۱۳۴۲، ۱۰۴ (ش ۱۱۴)



گلاستون^۱ و دیزرائیلی^۲ و فلاسفه بزرگی مانند جان استوارت میل^۳ به صورت جدی از زنان برای رسیدن به حقوق برابر حمایت کردند. این موج اندیشه به زودی از غرب به شرق راه یافت و منجر به بروز عکس‌العمل‌های گوناگونی در بین نوگرایان شد که از جمله آنها، آغاز انتقاد شدید نوگرایان ایران به وضعیت و جایگاه فرودست زنان در جامعه بود. در آن دوره، زن در جوامع مسلمان از آزادی‌های اجتماعی و سیاسی بی بهره بود و از لحاظ پوشش مجبور به استفاده از روبند برای حجاب بود که رفته رفته منجر به حذف زن مسلمان از اجتماع و حتی از مراکز علم و تربیت شده بود. به رغم تأکید آیات قرآن بر حق ارث زن به اندازه یک‌دوم مرد، زنان همچنان از این حق محروم بودند. سوء استفاده از جواز تعدد زوجات در شرایط خاص، این امر را در جوامع اسلامی تبدیل به سنتی رایج ساخته بود. در این شرایط بود که با ظهور جنبش حقوقی زنان در غرب و اثرپذیری از آن، نوگرایان و اندیشمندان مسلمان از جمله ایران برای حمایت از زنان دست به قلم برده و آثاری در این زمینه خلق کردند. به خصوص بحث تعدد زوجات تبدیل به چالش فکری اساسی در محافل مطبوعاتی و روشنفکرانه در دوره پس از مشروطیت ایران شده بود. در این باره، در روزنامه‌های شکوفه، زبان زنان و عالم نسوان مقالات مفصلی درباره ازدواج‌های نامناسب در جامعه ایران، که آشکارا نشانه تعرض به حقوق زنان بود، نوشته شد. (پایان نقل . در این میان در ادبیات مشروطه نظر آخوندزاده در رد توجیحات تعدد زوجات به ویژه بخشی از سخن که پاسخ طرفداران امروزی چندهمسری را قریب ۱۶۰ سال پیش می‌دهد، خواندنی است: " ... معنی عدالت را در حق طایفه زنان، فیلسوفان فرنگستان بهتر فهمیده اند که زنان را در جمیع حقوق بشریت و آزادیت با مردان شریک شمرده اند. حتی امروز در بعضی دول آن اقلیم، زنان را به اداره امور مملکت نیز داخل می‌کنند، علاوه بر آنکه درجه تاجداری را نیز در بعضی موارد بر ایشان مسلم می‌دارند. چنان که این رسم قبل از غلبه عر

1- William Ewart Gladstone (1809- 1898)

2- Benjamin Disraeli (1804-1881)

3- John Stuart Mill (1806-1873)



بها در ایران جایز بود. حکمای فرنگستان به غیر از دلایل مذکوره دو دلیل دیگر نیز بر ترجیح وحدت زوجه بر کثرتش ایراد می‌کنند: یکی اینکه در کثرت زوجات نوع بشر غالباً از لذت عشق و محبت محروم است و اگر احیاناً به یکی از زوجات متعدده عشق و محبت حاصل می‌شود، سایرینش لامحاله برخلاف عدالت و انصاف در قید زوجیت بی‌ثمرخون جگر خواهند خورد. دیگری اینکه اگر فی‌مابین حکما مسئله مساوات حقوقیه ذکورا و اناثا ممعّ علیه است، کثرت زوجات منافی مسئله مساوات است. همین دلیل دوگانه مقتضی شرح مبسوط است که گنجایش این مقام ندارد. حکمایی که برای رفع کثرت زوجات تصنیفات خواهند داشت، البته بدین دلایل دوگانه شرح مبسوط خواهند داد، با ذکر مثال و تجربه در فساد و قبح آن. فهم فساد اول محتاج به دلیل و بیان نیست. همه کس بر آن واقف است. اما فساد ثانی را بدین دلیل موجب قلت ثمرات تناسل می‌دانند که بیان می‌گردد: مثلاً می‌گویند زید مرد واحد است، چهار نفر زن می‌گیرد. فرض بکنیم هر یک از این چهار زن برای زید پنج نفر فرزند می‌زاید. پس عدد فرزندان چهار نفر زن از یک مرد می‌شود: بیست. به عکس، فرض بکنیم که هر یک از این چهار زن می‌رود به یک مرد و هر یک برای شوهر خود می‌تواند ده فرزند بزاید، پس عدد فرزندان چهار نفر زن از چهار مرد می‌رسد به چهل، و هم اکثر اوقات زید که چهار نفر زن گرفته است، پیش از وقت طبیعی از کار می‌افتد و برعمل تولید عاجز می‌شود. اما هر یک از چهار زن او هنوز به درجهٔ یائسگی نرسیده است و قابل ولادت است. نهایت در قید زوجیت زید تا آخر عمر خود باید در حکم یائسه باشد. به همین سبب گویا بنا بر عقیده حکمای فرنگستان، طوایف یورویا که قانون ایشان بر وحدت زوجه است، در اقلیم تنگ خودشان روز به روز ازدیاد به هم می‌رسانند. اما طوایف آسیا با وسعت اقلیم خودشان هرگز در عدد ازدیاد حاصل نمی‌کنند و نفاق خویشاوندان و ازدیاد نوع بشر در هر کشور گویا موجب آبادی وطن و موجب قوت ملت و اقتدار سلطنت است.^۱

۱- آخوندزاده، ۱۳۳۴، ۶۱-۶۲ (به نقل از اروچی، ۱۳۹۵، ۲۲)

مقوله چندهمسری در حقوق عرفی (آشتی شرع با عرف)

هرچند در نخستین قانون ماهوی مصوب ما (قانون مدنی ۱۳۰۷)، درباره قانونی بودن تعدد زوجات به صراحت حکمی وجود ندارد اما از برخی مواد آن مانند ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۴۲ و ۱۰۴۸ و ۱۰۴۹ جواز قانونی بودن و رسمیت این پدیده، به تبعیت از فقه اسلامی آشکار می‌شود. همچنین نصّ ماده‌ی ۶ قانون ازدواج مصوّب ۱۳۱۰، مبنی بر تعیین مجازات، برای مرد متأهلی که در هنگام ازدواج مجدد، همسر جدید و عاقد را بی اطلاع گذارد، مهر تأییدی بر همین اباحه است. مفاد ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده مصوّب ۱۳۴۶ نیز نزدیک به نظر فقها، با قید لزوم دخالت و اذن حاکم، ازدواج مجدد را بسته به تحصیل اجازه از دادگاه دانسته و صدور این اذن را از سوی محکمه، منوط به انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی، احراز توانایی مالی مرد و قدرت او به اجرای عدالت نموده است و ازدواج بدون تحصیل اجازه از دادگاه از سوی مرد را مشمول مجازات مقرر در ماده‌ی ۵ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶-۱۳۱۰ دانسته است. اما قانونگذار سال ۱۳۵۳ با فراست دریافته بود که اگر زن در گذشته شخصیت درون خانه‌ای داشته و نگاه به او محترمانه نبوده و به نوعی نگاه کالایی بوده به طوری که یک مرد متناسب با جایگاه خود می‌توانست، چند همسر بگیرد، ولی امروزه دارای جایگاهی اجتماعی و شخصیتی کامل برابر با شخصیت مرد دارد. و زنان نمی‌توانند بپذیرند که زن دوم باشند یا همسرشان با زن دیگری ازدواج کند و لذا تجویز بی قید و شرط چند همسری به معنای نادیده گرفتن شخصیت زن و موجب مفسد زیادی در جامعه خواهد بود.^۱ لذا برای نخستین بار و در جمع میان نظر فقیهان و اقتضائات روز، تعدد زوجات را بسیار محدود و برای چندزنی، شرایطی خاص و ویژه مقرر کرد. مطابق مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده ۵۳ جزء در مواردی مصرحه شامل: رضایت همسر اول، عدم قدرت همسر اول در ایفای وظایف زناشویی، عدم تمکین زن از شوهر، ابتلا زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج



موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸ قانون، محکومیت زن وفق بند ۸ همان ماده، ابتلاء زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ همان ماده، ترک زندگی خانوادگی از طرف زن، عقیم بودن زن، غایب مفقود الاثر شدن زن برابر بند ۱۴ همان ماده، مرد نمی‌تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند. و ماده ۱۷ با تکرار مفاد ماده ۴۱ قانون مصوب ۱۳۴۶، برای مردی که با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید و نیز: عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید (عالم به ازدواج سابق مرد)، حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال تعیین نمود. پس از پیروزی انقلاب ۵۷ و به دنبال اعلام نظریه شماره ۱۴۸۸، مورخ ۹/۵/۶۳ فقهای شورای نگهبان مبنی بر غیر شرعی بودن مجازات مرد در ماده ۱۷، و اینکه اکثر غالب قضات محاکم خانواده حوزوی بودند، عملاً مقررات قانون مصوب ۵۳ در زمره قوانین مرده تلقی گردید. تا اینکه در تیر ماه ۱۳۸۶ لایحه حمایت از خانواده به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه هیئت دولت محمود احمدی‌نژاد تصویب و به مجلس ارسال شد. اما بخش‌هایی از این قانون به ویژه ماده ۲۳ فصل سوم این لایحه که مربوط به بحث ما و برگشت به گذشته (ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶) و در جهت تضعیف خانواده و حقوق زنان و مغایر با قانون اساسی بود، از همان آغاز که لایحه در کمیسیون فرهنگی مجلس تصویب شد، مورد انتقاد شدید اندیشمندان و فعالان سیاسی و اجتماعی قرار گرفت چنانکه مرحوم آیت‌الله یوسف صانعی در گفت‌وگو با ایسنا و انتقاد از ماده ۲۳ لایحه جدید حمایت از خانواده، فتوای شاذ و در تضاد با نظر مشهور فقها و مراجع خود را بیان داشت: «ازدواج مجدد مرد بدون اجازه همسر اول، خلاف شرع، حرام و معصیت است. در صورتی که رضایت زن اول وجود نداشته باشد، حتی اگر مرد تمکن مالی هم داشته باشد، ازدواج مجدد وی حرام است^۱» و حتی قوه قضائیه نیز خواستار بررسی دقیق‌تر این لایحه شد. بالاخره با کش و قوس بسیار، سومین قانون حمایت خانواده مصوب با حذف ماده ۲۳ لایحه و نیز عبارت "قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳" در ماده ۵۸

(فهرست قوانین منسوخه) در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ تصویب شد، که به این ترتیب، اکنون مقررات چندهمسری در قانون ۱۳۵۳ معتبر و قابل اجرا دانسته شده است.

بررسی علل اجتماعی و روانی چندهمسری

۱ - اشکال چندزنی در کشورما

به نقل از یک پژوهشگر، و با یک بررسی ساده می‌توان در جامعه ما برای چند همسری، اشکال مختلف سه گانه زیر را یافت:

الف - "تجدیدفراش مخفیانه": گفتیم در جامعه شهری و حتی روستایی ما، تعدد زوجات، با هنجارها، انتظارات و ارزشهای عموم مردم ناسازگار است. بسیار دیده شده است مردانی که برای هوسرانی یا به دلیل نداشتن عذر موجه عرفی، قصد تجدید فراش دارند، برای پنهان ماندن موضوع از چشم دیگران، حتی نزدیکترین خویشاوندان خود ازدواج پنهانی می‌کنند و این راز سر به مهر، اگر شانس داشته باشند، بعد مرگ آنان و در غائله تقسیم ماترک و تعیین مستمری بگیران وی آشکار می‌شود.

ب - "ازدواج دوم آشکار": گاهی همسر مردی، دچار نقص یا بیماری‌ای نظیر عقیمی و روانپریشی و... می‌شود و مرد حاضر به فداکاری و وفاداری تام نیست. پس همسر مریض را رها نمی‌کند اما با اجازه مراجع قانونی نسخه ازدواج مجدد را برای خود می‌پیچد. در این موارد معمولاً به جهت آنکه عذر موجهی وجود دارد، کمتر پنهان کاری انجام می‌شود. پس می‌ماند ارائه و ایفای نقش مردی فداکار از سوی داماد دوباره، که نزد دیگران بنمایاند که او از زنی معیوب مراقبت می‌کند.

ج - "ازدواج با کسب توافق همسر نخست":

در برخی از نقاط کشور مانند خوزستان و سیستان که مردسالاری حاکمیت بیشتر و چند زنی رواج گسترده تری دارد، زن اول، خود پیشقدم می‌شود و فرد خاصی را که به لحاظ خصوصیات فردی (اخلاقی) با او همداستان تر است، به عنوان هووی خود گزینش می‌کند یا در مواردی که همسر اول به عللی ویژه مانند عقیم بودن و یا داشتن مشغله



سیاسی- علمی و غیره، نمی تواند از عهده خواسته‌های شوهر برآید، پس خود اجازه تجدید فراش را به مرد خود می دهد و حتی داوطلب انتخاب همسر برای شوهر می شود.^۱

۲- نظر پژوهشگران در باره پدیده چندزنی و آثار آن:

۲-۱- دلایل وجود چندهمسری در جامعه

الف - نتایج پژوهش های زیادی که با رویکرد تکامل شناختی به بررسی شیوه های همسرگزینی می پردازد، گرایش زنان به انتخاب مردان واجد جایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا را نشان می دهد به دیگر سخن، وقتی صرف نظر از وضعیت تأهل یا مجرد، مردی از لحاظ اقتصادی توانمند باشد به گونه ای که حامی و تکیه گاهی قوی برای زن به شمار آید، چنین مردی، مورد توجه و اقبال زنان قرار می گیرد. به ویژه اینکه او از پایگاه اجتماعی بالایی نیز برخوردار باشد. بنابراین اگر بخواهیم منصفانه برخورد کنیم باید بپذیریم که رفتار چندهمسری مردان، رفتاری ترکیبی است که در تعامل با شرایط اجتماعی و روابط بین فردی و احتمالاً وجود تمایل از جانب برخی زنان در این باره شکل می گیرد، و نباید از نقش مؤثر زنها در این مقوله چشم پوشی نمود.^۲ برخی، علل ازدواج زنان با مردان متأهل را: افزایش سن ازدواج دختران، رهایی از مشکل بیوه بودن، افزایش تعداد زنان مطلقه، اخاذی از مردان متأهل ثروتمند، داعیه انتقال به طبقه بالای اجتماعی، از خودگذشتگی برای نجات خانواده از فقر مادی، و بالاخره فریب و اغفال دختران می دانند.^۳ همچنین باید در نظر داشت که شوربختانه در فرهنگ ایرانی، زندگی کردن زنان مجرد، موجب نگرانی اطرافیان وی است. این گونه زنان، بی محابا از سوی مردم و همسایگان، در مظان انواع تعدی و تهمت اند. تازه این در فرضی است که چنین زنانی به لحاظ مادی، تأمین باشند، و گرنه مشکل آنان چندین برابر می شود؛ از این رو طبیعی است وقتی زنان مطلقه یا سن بالا، در چنین شرایطی هستند، به ناچار به خاطر رهایی از آزار نگاه ها، زندگی با زن دیگری را

۱- رمضان نرگسی، ۱۳۸۴، ۱۵۵-۱۵۷

۲- عارف نظری، مظاهری، ۱۳۸۴، ۴۰۳ و ۴۰۲

۳- رمضان نرگسی، ۱۳۸۴، ۱۶۰ تا ۱۶۳

ترجیح دهند.^۱ چنانکه در پژوهشی پیرامون رابطه شیوع اختلال‌های روانی با عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی در دوبی^۲، نتیجه گرفته شد که زنان مطلقه و بیوه و زنانی که به تنهایی زندگی می‌کنند و هم‌چنین مادرانی که به تنهایی سرپرستی کودکان خود را به عهده دارند، همچون زنان خانواده‌های چندهمسر، بیشتر در معرض ابتلا به اختلال‌های روانی هستند.^۳ بنابراین اینکه حتی تشویق نزدیکان به این زنان، باعث درآمدن آنان از چاله و افتادنشان در چاه باشد، دور از ذهن نیست.

ب - همچنین یافته‌های پژوهشی بیانگر این است که دست کم در چارچوب "بررسی رشدنکر" و از "دیدگاه دلبستگی"، تلاش در انتساب "صفات روانی - اجتماعی ناهنجار" به "مردان چندهمسر"، موضوعیتی ندارد و کاملاً بهنجار است. این باور بیش از آنکه برمبنای "روش‌شناسی علمی" استوار باشد، بر بن نظریه پردازی‌های جامعه‌شناختی طرح می‌شود. بنابراین روابط بزرگسالی این مردان نیز فاقد عامل رشدی زمینه‌ساز الگوهای مرضی است. اگر هم مشکلاتی در سازگاری زناشویی از خود نشان می‌دهند دلیل آن را می‌توان در ساختار پیچیده روابط مثلثی، بین شوهر و همسران و یا مشکلات سازگاران در ازدواج اول که خود منجر به ازدواج بعدی شده، جستجو کرد. همچنین "سطح تمایل جنسی (رفتار تنوع‌طلبی جنسی)" افراد، از جمله عوامل موثر دیگری است که "رفتار چندهمسری" را شکل می‌دهد.^۴

ج - به نقل از مقاله "کاوشی کیفی از علل و زمینه‌های شکل‌گیری چندهمسری مردان"، کرویکس و ماریانی^۵ بر این باور است که تغییر شکل ازدواج از تعدد زوجات به تک همسری بستگی به وضعیت اقتصادی یک جامعه دو طبقه و افزایش سهم مردان ثروتمند دارد. جیمز^۶ به این نتیجه رسیده که افت نامطلوب اقتصادی در زمان ازدواج و

۱- همان، ۱۶۱

2- Ghubash, Hamedi, Bebbington, (1992)

۳- مجاهد و بیرشک، ۱۳۸۲، ۶۱

۴- عارف نظری، مظاهری، ۱۳۸۴، ۴۰۳ و ۴۰۲

5- Croixand & Mariani, 2015

6- James, 2013



وقوع سیل و جنگ که در سطح ملی عمل می‌کنند، باعث افزایش شیوع تعدد زوجات شده و از طرف دیگر افزایش تحصیل زنان در دهه اخیر نرخ چندهمسری را کاهش داده است. توبجانی و فلورا^۱ در بررسی خود دریافتند که در بیش از ۷۰ درصد جوامع شناخته شده چند همسری وجود دارد و در اکثریت خانواده‌های چند همسری ساختار خانواده از نوع مردسالاری بوده است و نوع فرهنگ و عقاید افراد جامعه (اعتقادات مذهبی) باعث ماندگاری رسم چند همسری مردان شده است. اسپیتل^۲ نیز در پژوهش خود چندهمسری را به عنوان یک عمل از سوی مردان اینگونه تشریح کرد که اقتصاددانان در بحث‌های طولانی خود به سودمندی تعدد زوجات برای بسیاری از زنان اشاره نموده که خودشان آن را انتخاب می‌نمایند و دلیل آن را نابرابری توزیع منابع دانستند و در نتایج خود دلایل دیگر تعدد زوجات را بیشتر بودن تعداد مردان بزرگسال نسبت به زنان و تفاوت جنسیتی دانسته است.^۳

د - شوربختانه چندزنی در لجه ای از خاک کشورمان یعنی سیستان و بلوچستان امری کاملاً پذیرفته شده و جاافتاده است. نتایج یک پژوهش روانی - اجتماعی در بین مردان چندزن شهرستان سراوان، نشان می‌دهد که نگرش‌های مذهبی در کنار مسایل مالی و بسترهای اجتماعی مطلوب، مهم‌ترین علل شکل‌گیری چندهمسری در میان آنان است. محصل این پژوهش، بیانگر این است که ازدواج سنتی و غرایز جنسی به عنوان "شرایط علی"، و مقصرانگاری همسر اول، نمای مذهبی، دو اقامت گاهی و تسهیل‌گری خانوادگی به عنوان "شرایط مداخله‌گر"، نمایش اقتدار، بسترهای آزادتعاملی، دل‌بستگی و توانایی مالی به عنوان "شرایط زمینه‌ای" باعث بروز پدیده "برانگیختگی روانی اجتماعی" است که در نهایت، استراتژی «گذار پر گداز عینی و ذهنی از همسر اول» را به وجود می‌آورد. این پژوهشگران نتیجه تحقیق خود درباره تبیین علل چندهمسری مردان بلوچ سراوان را منطبق بر نتایج به دست آمده از سایر پژوهش‌های صورت گرفته قبلی و همسو با

1- Thobejane & Flora, 2014
2- Scheidel, 2008



آنها می‌دانند که بدین نبط است: اعتقادات مذهبی و وابستگی مالی خانواده‌ها (نتیجه تحقیق سال ۱۳۹۷ علینقیان و روستاخیز)، سوء رفتار زوجه و توانایی مالی زوج (نتیجه تحقیق سال ۱۳۹۶ تقی زاده و حمیدی سوها)، تحمیلی بودن ازدواج با زن اول (نتیجه تحقیق سال ۱۳۸۷ رضازاده)، ثروتمند بودن مردان و اعتقادات مذهبی و الگو قرار دادن پیامبر، سوء رفتار زن اول و کاهش فساد (نتیجه تحقیق سال ۱۳۸۵ ناستی زایی)، اقتصاد نامطلوب زنان (نتیجه تحقیق ۲۰۱۳ سال جیمز) و اعتقادات مذهبی (نتیجه تحقیق سال ۲۰۱۴ توبجانی و فلورا). همچنین ریگی کوتاه و همکاران (۱۳۹۲)، زارعی، اروجی و رضائی (۱۳۸۸)، الشریفی، پفیفر و میلر (۲۰۱۶) و کیمه (۲۰۰۵) که در نتیجه گیری خود، بیان داشته اند یکی از عوامل ناخشنودی مردان از ازدواج اول خود، نوع سنتی آن (نکاح در سن پایین و ازدواج‌های فامیلی و یا اجباری) بوده است. و نیز وجود غرایز جنسی (دومین شرط علی در تحقیق)، و مراقبت مردان بلوچ از آلودن خود به گناه و اثم، به دلیل اعتقادات مذهبی قوی، و اینکه بعضاً داشتن چند زن را نشانه ای از قدرت و اقتدار می‌دانند و بالاخره: وجود روابط عاطفی خارج از چارچوب خانواده و سادگی، فقر و فشار اقتصادی خانواده همسر و ازدواج فامیلی، مطلقه بودن زن و نگرانی اطرافیان از تنهایی او، بیشتر بودن شمار دختران از پسران در برخی مناطق؛ جملگی از علل دیگر بروز پدیده چندهمسری است.^۱

ه- برخی علل سه گانه پدیده چند زنی را چنین احصاء می‌کند: الف - علل فردی شامل: ۱- عدم تهذیب نفس و خویش‌تنداری (روحیه خوشگذرانی، روحیه عدم وفاداری، روحیه ناسپاسی)، ۲- مقابله با طلاق و جدایی (زیرا گاهی اوقات اختلافات زن و شوهر تا آستانه طلاق کشیده می‌شود، اما مرد به دلایلی نمی‌خواهد زن خود را طلاق دهد، بلکه با ازدواج مجدد، سعی می‌کند زندگی با زن اول را رها کند)، ۳- مبارزه با فساد اخلاقی (تجدید فراش به انگیزه احتراز از آلوده شدن به فساد اخلاقی). ب - علل خانوادگی شامل: ۱- ازدواج ناخواسته مرد با زن اول ۲- وجود رویه چند همسری در فامیل یا اقوام ۳- از کار افتادگی جنسی و جسمی زن ۴- ازدواج موقت مرد و تولد یک فرزند. ج - علل



اجتماعی شامل: ۱- به رخ کشیدن پایگاه اجتماعی خود به دیگران ۲- نیاز به نیروی کار در بیشتر جوامع روستایی- سنتی ۳- کاهش رعایت چارچوب‌ها در روابط زن و مرد (رعایت حریم محرم نامحرم)، ۴- عادی‌سازی چند همسری در رسانه ملی.^۱

۲-۲- اثرات روانی و اجتماعی و اقتصادی چندهمسری بر خانواده و جامعه

یکی از روان‌پزشکان برجسته کشور بر این باور است که تعدد زوجات در محیطی که شمار دختران بیش از پسران بوده و با رضایت زنان انجام می‌گیرد و هدف افزایش جمعیت و پیشگیری از فحشا باشد، شاید چندان اثر روانی نداشته باشد. اما در اجتماعی مثل وضع امروز ما که فقر مادی حکم فرما بوده و نتوان شرایط مساوات را بین همسران رعایت نمود، عملی خلاف بهداشت روانی است به‌ویژه آن که زنان مجبور باشند در یک خانه با هم زندگی کنند. چنین خانواده‌ای علاوه بر اینکه دستخوش ناملایمات و نگرانی است، کودکانی هم که در این محیط پرورش می‌یابند از ابتلا به انواع نوروها^۲ مصون نخواهند بود.^۳ در نتایج پژوهش روانی- اجتماعی مربوط به شهرستان سراوان (مورد اشاره در قسمت پیشین)، نتیجه تحقیق نشان می‌دهد در خانواده‌های چندهمسر، فشار روحی و روانی زیادی بر زنان و فرزندان این خانواده‌ها وارد می‌شود.^۴ چنانکه "پژوهش‌ها و مشاهده‌های فراوانی نشان می‌دهند با تغییر خانواده از تک‌همسری به چندهمسری، سیستم و عملکرد خانواده با تعارضات و چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود و خانواده امنیت روانی، احساسی، عاطفی و مالی خود را از دست می‌دهد برخی صاحب‌نظران بیان می‌کنند در بسیاری از خانواده‌ها الگوهای ارتباطی، نقش‌ها و انتظارات با حضور همسر دوم تغییر می‌کنند، عواطف کاهش می‌یابند و صمیمیت‌ها کم می‌شوند. شکل‌گیری روابط مثلثی از جمله

۱- رمضان نرگسی، ۱۳۸۴، ۱۵۷-۱۵۹

۲- نوروز (neurosis) در کنار سایکوزبه معنای روان پریش و روان رنجوری، دو اصطلاح مورد استفاده در روان

شناسی و روان پزشکی است

۳- نوربخش، ۱۳۴۱، ۷۲۰ و ۷۲۱

۴- افشانی و همکاران، ۱۳۹۸، ۷۸-۸۰

متغیرهای مهم در کاهش عملکرد و رضایت زناشویی است.^۱ اوامانام^۲ در پژوهش خود نتیجه گرفت که خود پنداره^۳ نوجوانان در خانواده‌های چندهمسر ضعیف‌تر از خود پنداره نوجوانان در خانواده‌های تک‌همسر است.^۴ چنانکه در تمام تحقیقات صورت گرفته از سوی: ریگی کومه و همکاران (۱۳۹۲)، زارعی، اروجی و رضائی (۱۳۸۸)، الشریفی، پفیفیر و میلر^۳ (۲۰۱۶) و کیمه (۲۰۰۵) در باره وضعیت نامطلوب فرزندان این نتیجه حاصل شده که کودکان چنین خانواده‌هایی، از منابع کمتر خانگی، مراقبت ناکافی والدین، عدم تناسب محل اقامت، نبود امکانات خانگی و فقد عاطفی برخوردار هستند. همچنین سطوح پایین تری از وضعیت اجتماعی و اقتصادی و پیشرفت تحصیلی داشته و بلافاصله زندگی توأم با استرس خواهند داشت.^۵ چنانکه چریان^۶ نیز در ارزیابی پیشرفت تحصیلی کودکان خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر، دریافت که کودکان خانواده‌های چندهمسر پیشرفت تحصیلی کمتری از کودکان خانواده‌های تک‌همسر دارند. همچنین اویفسو و ادگوک^۷ یاد آور شده‌اند که به دلیل پرجمعیتی خانواده‌های چندزن، نوجوانانی که در این خانواده‌ها رشد می‌یابند با شرایط تنش و فشار روانی از جمله کشمکش میان هووها، رقابت میان فرزندان، منش استبدادی پدران و مادران و مراقبت ناکافی از فرزندان روبرو هستند همچنین دریافتند که آنان سازگاری روانی کمتری نسبت به نوجوانان پسر خانواده‌های تک‌همسر دارند. هرچند چنین تفاوتی را در میان دختران گزارش نکرده‌اند.^۸ و نیز در پژوهشی دیگر، در زمینه سلامت روانی پدر و مادر در خانواده‌های چند همسری و تک همسری، مشخص شد که سلامت روانی زنان خانواده‌های چندهمسر پایین‌تر از

۱- اعتمادی و ابراهیمی، ۱۳۸۹، ۳ و ۶ (به نقل از: فرمند؛ رضوانی، ۱۳۹۸، ۱۳۶)

2- Owuamonam (1987)

3- self-concept

۴- مجاهد و بیرشک، ۱۳۸۲، ۶۱

۵- افشانی و همکاران، ۱۳۹۸، ۷۸-۸۰

6- Cherian (1989, 1993)

7- Oyefeso & Adegoke (1992)

۸- مجاهد و بیرشک، ۱۳۸۲، ۶۱



سلامت روانی زنان خانواده‌های تک همسر است. چنانکه نتایج مطالعه موردی الشربینی^۱ که سلامت روانی و جسمی زنان اول در خانواده‌های چند زنی را مورد بررسی قرار داد، میزان افسردگی، اضطراب و بیماری‌های جسمی همچون فشار خون و سردردهای میگرنی در زنان اول خانواده‌های چند همسر بیش از دیگر زنان ارزیابی می‌کند.^۲ و نیز چالبی^۳ با تحقیق بر روی بیماران بستری و سرپایی کشور کویت و بیماران سرپایی عربستان دریافت که زنان خانواده‌های چندهمسر بیش از زنان خانواده‌های تک‌همسر دچار مشکلات روانی هستند.^۴ نتایج پژوهش استفان^۵ (۲۰۰۷) نشان می‌دهند رضایت زناشویی در خانواده‌های چندهمسر کمتر و میزان کشمکش بین هووها در این خانواده‌ها از خانواده‌های تک‌همسر بیشتر است.^۶ آلکرناوی و همکاران (۲۰۰۲)^۷ تفاوت زیادی در عملکرد خانواده، اختلالات روان‌شناختی و سطوح بالاتر هراس و دیگر چالش‌های روانی بین زنان خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر را گزارش کرده است.^۸

همچنین در تحقیقی دیگر که انجام پذیرفته، محققان به دنبال بررسی و مقایسه سه متغیر (بهبودی روانشناختی، سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی) در بین زنان خانواده‌های چند همسری و تک همسری نتیجه گرفته‌اند که تفاوت معناداری بین زنان خانواده‌های چند همسر و خانواده‌های تک همسر از حیث میانگین نمرات رضایت از زندگی، معنویت، شادی و خوش بینی، رشد و بالندگی، نمرات کلی بهبودی روانشناختی و نمرات کلی سازگاری زناشویی وجود دارد و میزان بهبودی روانشناختی و سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی زنان خانواده‌های چند همسری بیشتر از زنان خانواده‌های

1- AL-Sherbiny (2005)

۲- عرب و همکاران، ۱۳۸۳، ۸۴

3- Chaleby (1985, 1986, 1988)

۴- مجاهد و بیرشک، ۱۳۸۲، ۶۱

5- Stefan

۶- فرمند؛ رضوانی، ۱۳۹۸، ۱۳۷

7- Al-Krenawi & Slonim-nevo, 2002

۸- idem (به نقل از: فرمند؛ رضوانی، ۱۳۹۸، ۱۳۶)

تک همسری است.^۱ زیرا پدیده چند همسری باعث می‌شود ساختار خانواده و فضای روانی-عاطفی خانواده متزلزل گردد، همچنین این پدیده باعث می‌شود نه تنها بهداشت روانی خانواده تحقق نگردد بلکه اثرات منفی و جبران ناپذیری بر اعضای خانواده و بخصوص پدر و مادر بگذارد و باعث می‌گردد تعادل روانی و سازگاری زناشویی بر هم بخورد و رضایت از زندگی در میان زن و مرد از حد مطلوب آن خارج گردد و به وضعیت بحرانی و نابهنجاری مبدل گردد.^۲ همچنین دو پژوهشگر با هدف بررسی نقش ساختار قدرت در عملکرد خانواده در دو گروه خانواده تک‌همسر و چندهمسر در شهر زاهدان در سال ۱۳۹۷ نتیجه تحقیق خود را ارائه داده‌اند. ابعاد نظری و تجربی پژوهش و داده‌های آن نشان می‌دهد، ورود همسر دوم و سوم در سیستم خانواده و نوع ساختار خانوادگی، بر ابعاد ارتباطی، مالی، عاطفی، تربیتی و جنسی تأثیر می‌گذارد. و عملکرد خانواده چندهمسر از خانواده تک‌همسر از وضعیت پایین‌تر برخوردار است. و بیشترین تفاوت عملکرد در ابعاد تعاملی و رفتاری و کمترین تفاوت در ابعاد نقش تربیت فرزند و مالی گزارش شده است و یافته‌های آنان با پژوهش‌های ریگی‌کوتاه و همکاران (۱۳۹۲)، محمدی و شیخی (۱۳۸۷)، مجاهد و بیرشک (۱۳۸۳)، ناظرزاده کرمانی و همکاران (۱۳۸۷)، کرناوی و همکاران (۲۰۰۲)^۳ و البدرو و همکاران (۲۰۰۷)^۴ همسو است.^۵ و بالاخره محقق دیگری، اثرات منفی فردی تجدید فراش بر زندگی زن اول را بیشتر می‌داند. که از جمله آن: احساس شکست در زندگی ست که افسردگی او را در پی خواهد داشت و به دنبال آن سلامت روانی زن اول مختل می‌گردد. همچنین بروز احساس تنهایی و کمبود محبت چنین زنی را قدر متیقن می‌داند. و نیز بر این باور است که رواج بی‌اعتمادی در خانواده منجر به ایجاد "خانواده‌های ناتنی" می‌شود ممکن است برادران یا خواهران ناتنی به رقابت با هم

۱- عرب و همکاران، ۱۳۸۳، ۹۲

۲- همان، ۸۳

3- Al-Krenawi, & Slonim-nevo, 2002

4- Elbedour, & Hektner, 2007

۵- فرهمند؛ رضوانی، ۱۳۹۸، ۱۳۷



بپردازند و گاهی اوقات روابط میان فرزند و مادر ناتنی تیره گردد، خصوصاً در شرایطی که همسران مرد رابطه خوبی با هم نداشته باشند، نگرش‌های منفی خود را به کودکان‌شان منتقل خواهند کرد. به ویژه اگر مادران از طبقه‌های متفاوت اجتماعی و دارای زمینه‌های خانوادگی مختلفی باشند و انتظارات متفاوتی در مورد رفتار مناسب در خانواده داشته باشند که در این صورت احتمال برخورد در عادات و شیوه نگرش قابل ملاحظه است. موارد بحرانی، جایی است که همسران مرد حسادت‌ها و رقابت‌هایشان را به فرزندان‌شان منتقل کنند و جوی خصمانه در خانواده ایجاد کنند و احساس دشمنی نسبت به برادران و خواهران ناتنی را در فرزندان خود ایجاد نمایند. هم او اثرات اقتصادی- خانوادگی را متذکر می‌شود که معمولاً بعد از فوت شوهر ظاهر می‌شود. زیرا کم شدن بهره و نصیب ورثه به علت تعدد آنان ناگزیر است. همچنین تحقیر زن از سوی اقربا و آشنایان و متهم شدن او به عدم شایستگی در اداره زندگی را، نخستین تاثیر اجتماعی ازدواج مجدد بر زن اول می‌داند و طبیعی است که عکس‌العمل زن اول در برابر ازدواج مجدد مرد، ناسازگاری در خانواده و اقدام او به طلاق باشد.^۱

وظیفه و نقش قوای عمومی و دولتی در موضوع:

به قول ابتکار، ریشه بخشی از تحلیلهای طرفداران چندزنی، و آسیب ناشی از آن، نوع نگاه فلسفی اینان به زنان است. در منظر اینان، صرف زن بودن، ارزشی ذاتی ندارد و باید حتما نقش ثانویه‌ای به عنوان مادر یا همسر بازی کنند تا اهمیت و جایگاه خود را پیدا کنند. در حالیکه در جهان بینی دینی ما، آفرینش زن و مرد از یک نفس واحده است و از این رو در میان مرد و زن، هیچ ملاک برتری جز تقوا، انسانیت و شرافت وجود ندارد و اینکه کسانی سوار بر کشتی تصمیمات مهم فرهنگی و اجتماعی این ملک باشند که در مانیفست تئوریک شان، بخواهند نظام مردم‌سالاری را در قرن ۲۱ اجرا کنند و رهاشدن از نگاه‌های تاریخی و فرهنگی گذشته را برنتابند. و نخواهند که نگاه شان را نسبت به این مقوله اصلاح



کنند و متوجه این مسئله باشند که در تصمیم‌گیری‌هایشان، لابد بایستی جایگاه انسانی زن و حقوق او و واقعیت پیشرفت زنان ایرانی نسبت به اسلاف شان را در تمام عرصه‌های علمی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و ورزشی و در نظر بگیرند، جای اما و اگر دارد. اینان باید بپذیرند که خانواده یکی از مهمترین، کلیدی‌ترین و مترقی‌ترین نهادهای بشری است و نقش زن و محوریت زن در انسجام خانواده و ایجاد یک فضای خوب و سالم برای رشد و پیشرفت خانواده بسیار با اهمیت است، چنانکه سهم و همراهی مرد و نگاه متعادل و توأم با احترام و همراه با محبت زوجین در کنار یکدیگر در خانواده نقش جفت (مرد) را پررنگ می‌سازد و به دلالت آنچه گفتیم بیگمان پدیده چندهمسری، با وجود مباح بودن حکم در دین، پذیرفتن و ترویج‌اش در دنیای امروز با وجود این همه معضلات اقتصادی و سختی برقراری عدالت و صعوبت مدیریت عواطف میان همسران، بسیار سخت است و فاقد توجیه عقلی و منطقی است زیرا از سخت‌ترین شرایط چند همسری عدم رضایت همسر اول است که این موضوع نیز از لحاظ شرعی جای بحث دارد. همچنین تفاوت سنی که در این ازدواج‌ها دیده می‌شود و نیز مشکلاتی که برای بچه‌های این خانواده‌ها پیش می‌آید و مهم‌تر از همه مسئله فرهنگی از چالش‌های چند همسری است.^۱ بی‌گمان رعایت حقوق زنان و کودکان از مصادیق بارز حقوق بشری محسوب می‌شود و توجه به این مقوله موجب استواری کانون خانواده، بهداشت روانی و تربیت پذیری کودکان و درنهایت، نیل به جامعه به سوی سلامت و پیشرفت است. و لذا مراقبت قانونگذار و مجری (قوه قضائیه و نهاد دولت) در این باره، موثر است.

۱- در عمل ایرادات و خلاءهای قانونی زیر در این باره دیده می‌شود:

۱-۱- به شرح ماعدا هرچند در ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ ازدواج دائم بدون اجازه همسر اول همسر، برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید (عالم به ازدواج سابق مرد)، جرم انگاری شده بود (تعیین حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال). اما در حکومت اسلامی و مطابق نظریه ابرازی ۱۳۶۰ شورای نگهبان این بخش از ماده، غیر



شرعی اعلام گردید و در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز براساس مواد ۴۹ و ۵۶ صرفاً عدم ثبت ازدواج دائم علی الاطلاق برای مرد (پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت) و نیز سردفتر رسمی (محرومیت درجه چهار از اشتغال به سردفتری) جرم انگاری شده است. بنابراین نفس انجام ازدواج موقت بدون اجازه همسر و دادگاه و نیز ثبت نکردن آن و همچنین نفس ازدواج دائم بدون اجازه همسر اول، جرم نیست بلکه تنها عدم ثبت واقعه نکاح دائم جرم است. همچنین هرگاه مردی بدون اذن دادگاه یا همسر اول به گونه ای ازدواج دوم را ثبت کند، بازهم بزه موضوع "عدم ثبت واقعه نکاح دائم" را مرتکب نشده است. بنابراین تعیین راهکاری قانونی برای احیای ضمانت کیفری نسخ شده، ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۲- با توجه به اینکه مقررات قانون حمایت خانواده به حکم ماده ۲۱ قانون^۱ ناظر به نکاح دائم است، زیرا ظاهراً در منظر تنظیم کنندگان و مصوبان، در ازدواج موقت، نفقه، به زوجه تعلق نمی‌گیرد و رعایت حق قسم نیز مفروض است، بنابراین برای انجام ازدواج مجدد به صورت نکاح موقت، مرد متاهل نیازی به کسب اجازه از دادگاه ندارد. و اصلاح قانون از این حیث نیز ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۳- مطابق با قانون، اگر زوج با داشتن زن اول، همسر دوم اختیار کند، قادر نیست نکاح دوم خویش را به ثبت رسمی رساند؛ ولی در عمل محاکم حتی بدون رضایت زن اول، با تقدیم دادخواست الزام به ثبت نکاح از سوی زن دوم به طرفیت زوج، و با احراز عقد شرعی حکم به ثبت ازدواج دوم می‌دهند. گاه دیده شده که این امر تنها با تشکیل یک جلسه سریع فوق العاده انجام می‌شود در حالیکه این امر، به منزله دور زدن قانون وزین و پیشرفته مصوب ۱۳۵۳ است و بر بن قاعده "دلالت نهی بر فساد" به دلیل خلاف قانون

۱- ماده ۲۱. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرار می‌دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است و ثبت آن در موارد زیر الزامی است:

۱- باردارشدن زوجه. ۲- توافق طرفین. ۳- شرط ضمن عقد

بودن، نباید چنین دعاوی پذیرفته شود. اما ظاهراً دادرسان روحانی آن را "نهی تنزیهی" می‌دانند و یا به تبعیت از فقهای امامیه آن را تعهدی به معنی تحریم حلال دانسته که تعهدی نامشروع است.

۱-۴- در نوشته‌های حقوقی و رسانه‌های عمومی، همواره در برابر مردی که بدون اجازه همسر نخست، دوباره ازدواج می‌کند، استفاده از امتیاز و شرط بند ۱۲ «شروط ضمن العقد» نکاحنامه‌ها را، ضمانت اجرای حقوقی استواری به نفع همسر نخست می‌دانند. شرط مذکور و سایر شروط که در اجرای ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، در سال ۶۱ و ۶۲، براساس مصوبه شورای عالی قضایی سابق، به صورت چاپی، از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در سند پیمان رسمی ازدواج درج شده و زوج را متعهد می‌سازد که اگر بدون رضایت زوجه همسر دیگری اختیار کند و یا به تشخیص دادگاه بین همسران خود به عدالت رفتار نکند، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه نهایی خود را مطلقه نماید. اما در عمل و به حکایت گزارشی منتشره از سوی یکی از همکاران که در همین فصلنامه منتشر شده^۱، هرگاه که مرد زن داری، متعه اختیار کند و زوجه در صد استفاده از وکالت تفویضی در سند نکاحیه برای مطلقه ساختن خود برآید، مواجه با مانع می‌شود زیرا برخی دادرسان، با این استدلال که طلاق حق مطلق العنان زوج است و اجرای آن به تقاضای زن امری استثنایی است، و عبارت چاپی مزبور منصرف از ازدواج موقت است، و ظهور در ازدواج دائم دارد و با ازدواج موقت، تخلف از شرط ادعایی محقق نمی‌شود؛ دعاوی به حق این زنان مظلوم را مردود اعلام می‌کنند. بنابراین بایستی با اصلاح شروط چاپی در اسناد ازدواج و یا صدور رأی وحدت رویه از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور، از تفاسیری چنین ناروا جلوگیری شود.



۲ - وظیفه دولتمردان و مدیران فرهنگی و اجتماعی

همچنین در باره مقوله چندهمسری، نظر ارائه شده از سوی دو پژوهشگر نیز قابل توجه و امعان نظر است. آنان با تأکید بر اینکه در زمینه قانونگذاری، ایجاد ضوابط و محدودیت‌های حقوقی و قوانین مشخص درباره ازدواج چندهمسری در سازگاری با شرایط جدید و نیز وضع و اجرای راهکارهایی برای تعدیل و ممانعت از سوءاستفاده مردان در زندگی زناشویی نسبت به ضعف موقعیت زنان را لازم می‌دانند و همچنین در زمینه حمایت از زنها و کودکان خانواده‌های چندهمسری موجود و برای توانمندسازی زنان و فرزندان، ارائه تسهیلات و خدمات اجتماعی به این خانواده‌ها را ضروری می‌پندارند؛ در زمینه آموزش و خدمات عمومی، بر این باورند که: تقویت برنامه‌های رسانه‌ای مختلف برای آگاهی‌بخشی در زمینه کارکردهای خانوادگی و چگونگی تعاملات صحیح زناشویی، تهیه بسته‌های آموزشی راه‌های تقویت ساختار و عملکرد خانوادگی و نشر آن بین خانواده‌ها، آگاهی‌رسانی عمومی در حوزه برابری جنسیتی، مشارکت خانوادگی و تفهیم صحیح نقش‌ها و عملکرد متقابل زناشویی، افزایش نهادها و انجمن‌های جامعه‌محور با عنوان حمایت از تحکیم خانواده، زنان و فرزندان، تدوین سازوکارهای منعطف برای اطلاع‌رسانی عمومی از چگونگی عملکرد مناسب خانواده و ساختار آن، تقویت پایگاه اطلاعاتی خانواده‌ها و آموزش شیوه صحیح زندگی مشترک و بالاخره افزایش دوره‌های مشاوره برای افزایش و تقویت ساختار و عملکرد خانواده؛ همه و همه از جمله مواردی است که بایستی مدیران فرهنگی و اجتماعی حکومت مراعات نمایند.^۱

۳ - نقش مهم رویه قضایی (دادرسان و محاکم خانواده) در این باره:

برخی از نویسندگان، رویه قضایی را از منبع حقوق دانسته‌اند و به نظر آنان دادرس در مقام تفسیر قانون نباید در پی یافتن اراده قانونگذار باشد بل باید به روش مرسوم در سایر علوم، آزادانه تحقیق کند و قواعدی را به کار بندد که با مصالح اقتصادی و سیاسی و اخلاقی جامعه سازگار باشد. چنانکه دادرسان محترم در چهار مورد: نقص، سکوت و



اجمال قانون و نیز تناقض قوانین، بایستی به عرف و روح قانون و اندیشه‌های حقوقی (فتاوی معتبر) استناد کند در این قبیل موارد که قانون باید تفسیر شود، دادرسان بایستی با ملاحظه روابط اجتماعی، عرف و عادت مسلم را به دست آورند. بدیهی است روشی که دادگاه‌ها برای تفسیر انتخاب می‌کنند در میزان نفوذ رویه قضایی و سهم آن در ایجاد حقوق موثر است^۱ بیگمان در موضوع بحث اینکه دادرسان مدد نمایند و نگذارند که حق چندهمسری مردان به ستم و بی‌عدالتی نینجامد، زیر مجموعه ای مهم از حق اساسی اشاره شده در بالا است. گزینش قضاوت روشن بین و آموزش آنان با مسائلی که پیش تر بحث شد، اهمیت بسیار دارد. و حضور قضاوت زن در این محاکم، تأثیرگذارترین امر است. در عمل گاه بعضی از قضاوت دادگاه خانواده، نیت واقعی برخی مردان از ازدواج مجدد را در می‌یابند و با صدور دستوراتی مانند تهیه مسکن مناسب تر برای همسر نخست یا مطلقه کردن او و پرداخت مهریه و سایر حقوق، تلاش می‌نمایند تا مرد را از تصمیم دامادی دوباره منصرف کنند، اما برخی با وفاداری به دیدگاه سنتی، و با پذیرش بلافاصله ناشزه بودن همسر نخست، بلا تکلیفی او را رقم زده، و مرد را همراهی می‌کنند، به این ترتیب تجربه شخصی قضاوت اعم از مثبت یا منفی، حرف اول را می‌زند. بنابراین در اینگونه مواقع بایستی با دقت زیاد در علت تجویز ازدواج مجدد، با صبر و متانت، تحقیقات ضروری وافی صورت گیرد. و نصایح و مشاورات و آموزش‌های مورد نیاز به خصمان در سر فرصت ارائه گردد. همچنین در بررسی توانایی مرد در اداره اقتصادی همزمان چند زندگی با هم و نیز تعیین مصادیق عدالت مرد در خانواده و عسر و حرج زن و سنجش معرف‌های مربوطه از سوی دادگاه، دقت لازم صورت گیرد. و به ویژه در باره نفقه زن اول متناسب با تعداد اولاد، شأن و موقعیت وی تصمیم بایسته اتخاذ شود^۲ در حالیکه دیده شده، مردی در برابر مطالبه مهریه و نفقه زن نخست خود دادخواست اعسار داده است و هم او در عین حال موفق به کسب اجازه ازدواج دوم شده است.

۱- کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۱۹۳-۱۹۵

۲- رمضان نرگسی، ۱۳۸۴، ۱۷۲



منابع:

الف - فارسی و عربی

۱. آخوندزاده، میرزافتحعلی، مکتوبات کمال الدوله به شاهزاده جلال الدوله، تهران: بی نا، ۱۳۳۴
۲. آریان پور یحیی (۱۳۷۱)، از نیما تا روزگار ما، ج ۳، چاپ سوم، تهران: نشر زوار.
۳. ابتکار، معصومه (۱۳۹۷)، "مصاحبه پایگاه خبری شفقنا با معاون وقت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در انتقاد از رواج چندهمسری در صداوسیما"، ۱۱ آذر ۱۳۹۷، کد خبر: ۶۷۰۲۸۵، به نشانی: <https://fa.shafaqna.com/?p=670285>
۴. اروجی فاطمه (۱۳۹۵)، زن در اندیشه میرزافتحعلی آخوندزاده، فصل نامه ایران نامگ، دانشگاه تورنتو، سال ۱، شماره ۱، صص ۶-۳۰
۵. اشتهاودی، علی پناه (۱۴۱۷)، مدارک العروه، ج ۲۹، تهران: منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریة، دارالأسوة للطباعة و النشر.
۶. اعتمادی، الف. و ابراهیمی، ج. (۱۳۸۹)، «مقایسه سلامت روانی فرزندان خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر، مجله زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ش ۳، صص ۲۶-۵.
۷. افشانی، سید علیرضا؛ اسمعیلی، قاسم؛ فلاح، محمدحسین؛ وزیری، سعید (۱۳۹۸)، کاوشی کیفی از علل و زمینه‌های شکل‌گیری چندهمسری مردان، فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، انجمن روانشناسی اجتماعی ایران، تابستان، دوره ۹، ش. ۳۴، صص ۶۳-۸۲.
۸. امانی، مهدی (۱۳۸۰)، نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران (از سال ۱۳۳۵-۱۳۷۵)، نشریه: نامه علوم اجتماعی، ش ۱۷، صص ۴۶-۳۴.
۹. امامی، مسعود (۱۳۹۲)، فلسفه حکم تعدد زوجات، فصلنامه پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، جامعه المصطفی العالمیه قم؛ پاییز و زمستان، ش. ۱۶، صص ۵۹-۸۰.

۱۰. بخاری ارفنجی، ابونصر احمد بن محمد، تاج القصص (انیس المریدین و روضه المحبّین)، ۲ ج، مقدمه و تصحیح: سید علی آل داود، چاپ ۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۱۱. تقی زاده، محمد، حمیدی سوها، زهرا. (۱۳۹۶). آسیب شناسی تعدد زوجات در حقوق و رویه قضائی ایران. فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره ۲، ش ۹، صص ۲۶۵-۲۸۹.

۱۲. جمالزاده سید محمد علی (۱۳۴۲)، صندوقچه اسرار، ج ۱، چاپ اول، تهران: کانون معرفت

۱۳. خان آبادی دکتر مهدی (۱۴۰۰) "تبلیغ چند همسری در برنامه تلویزیونی"، کد خبر:

۸۶۱۰۲ مورخه ۱۴۰۰/۰۲/۰۶ پایگاه خبری-تحلیلی مثلث به نشانی:

<https://www.mosalasonline.com>

۱۴. خطیب زاده لیلا (۱۳۹۸ الف)، گزارش ایرنا از مناظره‌ای درباره چندهمسری (۱)، کد

خبر: ۸۳۵۶۵۴۳۰ به نشانی: <https://irna.ir/xjwjrx>

۱۵. ===== (۱۳۹۸ ب)، گزارش ایرنا از مناظره‌ای درباره چندهمسری (۲) ۳ آذر ۱۳۹۸،

کد خبر: ۸۳۵۶۵۷۵۸ به نشانی: <https://irna.ir/xjwjzF>

۱۶. خوبی، سیدابو القاسم (۱۴۲۷)، فقه‌الاعذارالشرعیه، قم: دارالصدیقه.

۱۷. دوران، ویل (۱۳۴۴)، لذات فلسفه، مترجم: عباس زریاب خوئی، چاپ نخست، تهران:

نشر اندیشه (باهمکاری موسسه انتشارات فرانکلین).

۱۸. ===== (۱۳۷۰)، تاریخ تمدن، مترجمان: احمد آرام و ع پاشائی و امیر حسین

آریان‌پور، چاپ سوم، تهران: سازمان انتشارات آموزش و پرورش انقلاب اسلامی.

۱۹. رضازاده، علی. (۱۳۸۷). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر

چندهمسری گزینی مردان در منطقه باشت از توابع شهرستان گچساران. پایان نامه

کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور واحد

شیراز.



۲۰. رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۴)؛ بازتاب چند همسری در جامعه، مطالعات راهبردی زنان، بهار، ش ۲۷، صص ۱۴۵-۱۷۴.
۲۱. ریگی کوته، بهزاد، بختیار نصر آبادی، حسنعلی، سپهری، فریبا، نصرتی هشی، کمال (۱۳۹۲). بررسی ساختار خانواده برگرایش به رفتارهای پرخطر و ابعاد سازگاری (عاطفی، اجتماعی، آموزشی و کل) در دانش آموزان خانواده های تک همسری و چند همسری. فصلنامه اخلاق، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سال ۳، ش ۱۲، ۲۱۱-۲۴۱.
۲۲. زارعی، اقبال، اروجی، سیمین، رضایی، پروین. (۱۳۸۸). مقایسه سلامت روان زنان در خانواده های تک همسر با زنان در خانواده های چند همسر در اهواز، کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده.
۲۳. سعادت، حسین (۱۳۹۸) چند همسری، روا یا ناروا؟ پایگاه خبری ایکننا شفقتنا (خبرگزاری بین المللی قرآن)، کد خبر: ۳۸۵۴۸۴۲ تاریخ انتشار: ۱۴ آبان ۱۳۹۸ به نشانی: <https://iqna.ir>
۲۴. شجاعی، اسحاق (۱۳۸۵). اهداف ازدواج های پیامبراکرم، مجله سفیر، موسسه فرهنگی قدس، پیش شماره ۴. صص ۱۱۵-۱۳۸.
۲۵. شفیعی سعید (۲۰۱۹) تبلیغ چند همسری؛ پروژه ای برای مردان مذهبی ثروتمند و زنان آسیب پذیر، تارنمای euronews.
۲۶. صدر، سید محمد. (۱۴۲۰ ه.ق). ماوراء الفقه. مصحح جعفر هادی دجیلی. بیروت: دارالاضواء.
۲۷. طالبی، احمد (۱۴۰۰) "تبلیغ چند همسری در برنامه تلویزیونی"، کد خبر: ۸۶۱۰۲ مورخه ۱۴۰۰/۰۲/۰۶ پایگاه خبری- تحلیلی مثلث به نشانی: <https://www.mosalasonline.com>
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ه.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۹. عارف نظری، مسعود؛ مظاهری، محمدعلی (۱۳۸۴)، سبک‌های دلبستگی و شیوه همسرگزینی (چند همسری - تک همسری)، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده، زمستان، ش ۴، صص ۳۹۳ - ۴۰۶.

۳۰. عرب، سعید، دانشمند، بدر السادات؛ پودینه، زهرا؛ ثامنی، ناهید؛ میرگل، احمد؛ باباخانلو، اشرف (۱۳۹۴)؛ بررسی میزان بهزیستی روانشناختی و سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی در بین خانواده‌های چند همسری و تک همسری، دوفصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، دانشگاه کردستان، تابستان، شماره ۱۷، صص ۸۰-۹۶.

۳۱. علی نقیان، شیوا، روستاخیز، بهروز. (۱۳۹۷). فهم پدیدارشناختی چندهمسری در میان بلوچ‌های ساکن شهرستان چابهار. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دوره ۸، ش ۱، صص ۹۵-۱۱۷.

۳۲. فرهمند، مهناز؛ رضوانی، زهره (۱۳۹۸)، ساختار و عملکرد خانوادگی در خانواده‌های تک همسری و چند همسری، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، مقاله ۸، دوره ۳۰، ش ۳ (شماره پیاپی ۷۵)، مهرماه، صص ۱۳۵-۱۵۴.

۳۳. قطب، سیدبن قطب. (۱۴۱۲ ه.ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.

۳۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ ۲۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۳۵. کرمی، محمد تقی؛ سجادی امین، مهدی (۱۳۸۹)، نقد و بررسی ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده، مطالعات راهبردی زنان (شورای فرهنگی اجتماعی زنان)، تابستان، ش ۴۸، صص ۸۵-۱۳۲.

۳۶. لوبون، گوستاو (۱۳۳۴)، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید محمد تقی فخر داعی، چاپ چهارم، تهران، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی

۳۷. مجاهد، عزیزالله، بیرشک، بهروز. (۱۳۸۲) وضعیت رفتاری کودکان و سلامت روانی والدین در خانواده‌های چند همسری. مجله: روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران،

- دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، زمستان ۱۳۸۲، ش ۳۵، صص ۶۰-۶۷.
۳۸. مجبی، مرضیه (۱۴۰۰)، شمول تخلف از شرط دوازدهم سند ازدواج، فصلنامه وکیل مدافع (ارگان کانون وکلای دادگستری خراسان)، دوره ۱۱، شماره ۲۱ اسفند ۱۴۰۰، صص ۲۰۱-۲۰۴.
۳۹. محمدی، ن. و شیخی، م. (۱۳۸۷)، «مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های چن‌دزن و تک‌همسر شهر زاهدان»، پژوهش زنان، ش ۴، صص ۲۰۷-۱۸۳.
۴۰. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم. تهران: نشر کتاب.
۴۱. مطهری، مرتضی. (بی تا). مجموعه آثار. قم: صدرا.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ه.ق). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. موحد نعیمه (۱۳۹۸)، همه چیز درباره ماجرای «ترویج چندهمسری»، فارس نیوز به نشانی: <http://fna.ir/dd6roe>
۴۴. ناستیازی، ناصر. (۱۳۸۵). عوامل موثر در تعدد زوجات از دیدگاه دانشجویان بلوچ. مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، دوره ۳، ش ۵، صص ۶۳-۷۶.
۴۵. ناظرزاده کرمانی، ف.؛ محمدی، ن. و ابراهیمی خیرآبادی، ج. (۱۳۸۷). «بررسی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به موفقیت اجتماعی فرزندان در خانواده‌های چندهمسر»، فصلنامه خانواده‌پژوهشی، ش ۱۶، صص ۳۸۵-۳۶۹.
۴۶. نوربخش، جواد (۱۳۴۱)، علل اجتماعی و فامیلی نوروژها در ایران، نامه دانشکده پزشکی (مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، سال ۱۹، ش ۷، صص ۷۱۹-۷۲۸).
۴۷. هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۶)؛ چندهمسری در قرآن؛ چالش‌ها و رویکردها، مجله قرآن، فقه و حقوق اسلامی (حوزه علمیه)، پاییز و زمستان، سال چهارم، صص ۶۷-۹۸.

ب - منابع لاتین:

48. Al-Krenawi, A. Graham, J. R. & Slonim-nevo, V. (2002) "Mental Health Aspects of Arab-Israeli Adolescents from Polygamous Versus Monogamous Families." *The Journal of Social Psychology*, 142 (4): 446-460. Doi: 10.1080/00224540209603911.
49. Al-Krenawi, A., & Graham, J. R. (2006). A comparison of family functioning, life and marital satisfaction, and mental health of women in polygamous and monogamous marriages. *International Journal of Social Psychiatry*, 52(1), 5-17.
50. Al-Sharfi, M., Pfeffer, K., & Miller, K. A. (2016). The effects of polygamy on children and adolescents: A systematic review. *Journal of family Studies*, 22(3), 272-286.
51. AL-Sherbiny, Ahmad (2005) "The Case of first wife in polygamy". *Arab Psynet Journal*. No 8. November. PP:18-26
52. Browne, Ken (1992), "An Introduction to Sociology", Polity press, London.
53. Chaleby, K. (1985). Women of polygamous marriages in an inpatient psychiatric service in Kuwait. *The Journal of Nervous & Mental Disease*, 173, 58-59.
54. ===== (1986). Psychosocial stresses & psychiatric disorders in an outpatient population in Saudi Arabia. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 73, 147-151.
55. ===== (1988). Traditional Arabian marriages & mental health in a group of outpatient Saudis. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 77, 139-142.
56. Cherian, V.I. (1989). Academic achievement of children from monogamous and Polygamous families. *Journal of Social Psychology*, 130, 117-119.
57. ===== (1993). The relationship between parental interest & academic achievement of Xhosa children from monogamous & Polygamous families. *Journal of Social Psychology*, 33, 733-736.
58. De La Croix, D., & Mariani, F. (2015). From polygyny to serial monogamy: a unified theory of marriage institutions. *The Review of Economic Studies*, 82(2), 565-607.
59. Elbedour, S. Bart, W. & Hektner, J. (2007) "The Relationship between Monogamous/Polygamous Family Structure and the Mental Health of



- Bedouin Arab Adolescents.” *Journal of Adolescence*, 30 (2), 213-230.
Doi: 10.1016/j. adolescence. 2006.02.003.
60. James, F. (2013). African polygamy: Past and present. Centre for the Study of African Economies, 20http:// mpra.ub.uni-muenchen.de/48526/.
61. Ghubash, R., Hamed, E., & Bebbington, P. (1992). The Dubai community psychiatric survey: Prevalence & Socio-demographic correlates. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 26, 132- 138.
62. Gyimah, S. O. (2005). Polygamous Marital Structure and Child Survivorship in Ghana: Age Dependent Effect? *PSC Discussion Papers Series*, 19(13), 1
63. Sanderson, S. K. (2001). Explaining monogamy and polygyny in human societies: Comment on Kanazawa and Still. *Social Forces*, 80(1), 329-335.
64. Scheidel, W. (2008). Monogamy and polygyny in Greece, Rome, and world history. *Rome, and World History* (June 2008).
65. Owuamonam, O. D. (1987). Adolescent's perception of polygamous family & its relationship to self-concept. *International Journal of Psychology*, 19, 593-598.
66. Oyefeso, A. O., & Adegoke, A. R. (1992). Psychological adjustment of Yorba adolescents as influenced by family Type: a research note. *Journal of Child Psychology*, 33, 785-788.
67. Thobejane, T. D., & Flora, T. (2014). An exploration of polygamous marriages: A worldview. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 5(27 P2), 1058 -1066.